

حجاب

﴿جلد نخست﴾

تقدیر به:

تک بانوی عرصه‌ی ایثار، پشتیبان ولایت و نامی شفاعت
حضرت صدیقه‌ی طاهره، اترابیها، **فاطمه‌ی زهرا** (سلام الله علیها)

مادر سرچشمه‌گیتی...

﴿به مناسبت میلاد بانوی دو عالم و بزرگداشت مقام مادر﴾

غنچه‌ای در سبزه زار زیبای طبیعت شکفت و کلمه‌ی مادر، در پهنه گلبرگان سرخ آن او که همچون خون مادر است، بیرون
جهید و خود را در آسمان بیکران آبی سوار بر بال پرندۀ محبت دید.

آری! به راستی مادر کیست که گیسوانش هر چون گیسوان فرشته‌طیلائی است؟

مادر کیست که زمزمه محبتش لایلی اوست؟

مادر آنست که گهواره چوبین فرزندش را از لابلای صخره‌ها و از میان آبشارها و صدها گل زیبای یاسمن بیرون می‌کشد و بادستان
مهر آمیزش آن را تکان می‌دهد...

مادر آنست که اشکش همچون شبنم بر قلب گلبرگ، گل عشق است، صدایش هر چون مرغ غزل خوان در طبیعت است و بوسه
اش همچون نور خورشید بر سبزه زار است و استواریش همچون کوهی بر دل خاک... وجودت را راج می‌نهم و بوسه بر جای پایت می
زنم.

آرتارحیمی



«دستگاه های استکباری دنیا و آمریکا از تبلیغات برای ساقط کردن و ایجاد اغتشاش در کشور استفاده می کنند و البته به آن دستگاه های تبلیغی گفته ام که: این که شما سر نوشت کشورهای اروپای شرقی را در ایران دنبال کنید، خیال خام است. اما متاسفانه همان دشمنی که بوسیله ی تبلیغات خود، همتش این است که کشور را ساقط کند، امروز در داخل پایگاه پیدا کرده است؛ بعضی از مطبوعات پایگاه دشمن شده اند.»

مقام معظم رهبری - اردیبهشت ۱۳۷۹

از جمله مباحثی که همواره به عنوان يك موضوع بحث برانگیز و جنجالی، مطرح بوده، ذهن و ضمیر انسان ها و جوامع بشری را به خود معطوف و مشغول ساخته است، مقوله حجاب و تعیین حدود و ثغور آن، بوده است. عده ای رعایت حجاب و پوشش اسلامی را مانع حضور زنان در اجتماع تلقی کرده و مدعی هستند که رعایت حجاب برای خانم ها دست و پا گیر بوده و مانع فعالیت های آنها در عرصه های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی می شود و از این ناحیه، آسیب های اقتصادی به جامعه و پیامدهای روحی و روانی برای خانم ها به ار مغان می آورد! برخی دیگر، قانون حجاب را مغایر اصل آزادی و دموکراسی معرفی نموده و با جدیت تمام با آن مخالفت می کنند و با کسانی که با میل و رغبت، حجاب و پوشش شان را به عنوان يك وظیفه و تکلیف رعایت کرده و در اجتماع ظاهر می شوند با شدت برخورد کرده و از امتیازات اساسی و مهم اجتماعی مثل رفتن به مدرسه، دانشگاه، استخدام در ادارات دولتی و گرفتن گذرنامه و... محروم می کنند، آن هم در کشورهایی که خود را مهد فرهنگ و تمدن و پایه گذار دموکراسی معرفی کرده و از آزادی های فردی و اجتماعی دم می زنند!

عده ای قابل توجه نیز حجاب را به عنوان يك اصل و رعایت آن را در جامعه لازم و ضروری دانسته و از آن دفاع و حمایت می کنند.

هر يك از این گروه ها از راه و روش خاصی پیروی کرده و ضرورت رعایت حجاب را از منظرهای مختلفی بیان داشته اند. در سال های اخیر، روند شبهات درباره حجاب و پوشش اسلامی، شدت یافته است و مطرح شدن شبهات فراوان در زمینه حجاب برتر به همراه عوامل دیگری مانند ضعف اعتقاد و عدم شناخت کافی از این مسأله و ضرورت آن موجب تهدید امنیت اجتماعی و آفت روند استفاده از مصادیق چنین حجابی در جامعه شده است، که نتیجه اتخاذ روش تخریبی بعضی مطبوعات و رواج پوشش های نامناسب در مقابل ناخرمان است.

آنچه مسلم است با گذشت نزدیک به ده سال از بیانات رهبر عزیز انقلاب در مورد نوشته های برخی از نویسندگان به ظاهر روشنفکر در مطبوعات کشور باز برخی از این نویسندگان در پوست دینداری و دلسوزی حرف ها و حدیث های دو پهلو در مجامع مختلف می گویند و می نویسند و متاسفانه بعضی از جوانان ساده لوح با تایید این نکته ها آتش در خرمن اجتماع زده و به مراتب باعث ناراحتی حضرت ولی عصر (عج) می شوند. در اینجا به برخی از جملات این، به ظاهر روشنفکران در مطبوعات مختلف می پردازم:

- ✓ توهمتهاجم فرهنگی ناشی از احساس ضعف و ترس است. (مجدد شریف. هفته نامه ی آبان. شهر یور ۸۵)
- ✓ قرآن حجاب و عفت را منوط به ایمان می داند؛ یعنی گناه می داند ولی جرم نمی داند. پس اگر کسی ایمان نداشت می تواند بی حجاب هم باشد. (فرهاد بهبهانی. روزنامه ی نشاط. ۱۷/۳/۸۶. ص ۳)
- ✓ از دیدگاه بنده امر به معروف و نهی از منکر که در اسلام واجب است به معنای در نظر گرفتن حکومت و پاییدن قدرت حاکمه است؛ نه نظارت مردم بر مردم که مثلا خانم یا آقا حجابت را درست کن. (عزت الله سبحانی. روزنامه ی فتح. ۲۰/۱۱/۸۷. ص ۷)
- ✓ احکام اسلام آمیخته به اسطوره اند و اگر از آنها اسطوره زدایی شود به راحتی به مرور زمان قابل تغییر اند؛ مثلا حجاب جنبه ی اسطوره ای دارد، نه اینکه با آن عفت حفظ شود. بلکه عفت باید حفظ شود ولی حفظ آن در هر زمانی به یک روش است و آن روشی است که عرف زمان آن را بپسندد. (عبدالکریم سروش. ماهنامه ی زنان. دی ماه ۸۴. ص ۳۳)
- ✓ قوانین شرعی در مورد زنان ظالمانه است. (مهر انگیز کار. روزنامه ی عصر آزادگان. ۷/۱۱/۸۷)

گوهر اسلام، سعادت و نجات آدمی است و باورهای دینی و احکام اخلاقی و فقهی در راستای این غایت نازل شده اند. در حقیقت، هدف کلیه آموزه هایی که از سوی خالق حکیم صادر می گردند چیزی جز پاسخ گویی به همه نیازهای روحی و جسمی، مادی و معنوی، و فردی و اجتماعی انسان نیست. در نتیجه، احکام الهی مربوط به پوشش زن نیز با توجه به همین غایت و هدف صادر شده اند. لذا ما به منظور اینکه اسلام، مشوق حجاب و پوشش کامل برای زنان و دختران در برابر افراد نامحرم است، به بیان هدف و فلسفه این مصداق مهم اسلامی و رابطه فراگیر و تنگاتنگ آن با امنیت اجتماعی از جنبه های مختلف می پردازیم.

آنچه در این مجموعه از منظر شما می گذرد، نگاهی شفاف به مسئله ی حجاب از دیدگاه اسلام و سیر تاریخی آن در ایران داشته است. این مجموعه شامل هفده فصل مجزا در سه جلد بوده و جلد اول آن، هم اکنون در اختیار شماست؛ امید است مورد پسند و استفاده ی شما خواننده ی گرامی قرار گیرد.

آرتار جیمی

مدیریت و بسایت فرهنگی مذهبی ارزشی

خیمه گاه

بیستم مهر ماه سال یکهزار سیصد و هشتاد و هفت شمسر

فصل اول

آن روز که مجاب ممنوع شد

آن روز که حجاب ممنوع شد

کشف حجاب در ایران پدیده‌ای ناشی از آشنایی با غرب و تجددخواهی افرادی است که افکار و زندگی غربی را تجربه کرده بودند. در حالی که نخستین نشانه‌های کشف حجاب را می‌توان در دربار ناصرالدین شاه قاجار و سپس در محافل روشنفکری مشاهده نمود، رسمیت یافتن آن به دوره ی دیکتاتوری رضا شاه پهلوی باز می‌گردد.

رضاخان که پیش از رسیدن به مقام پادشاهی خود را فردی دیندار و پای‌بند به اصول مذهب نشان داده بود، پس از به قدرت رسیدن به تدریج ماهیت اصلی خود را نمایان ساخت. او که تجددگرایی و تضعیف ارزشهای دینی را سرلوحه برنامه‌های نوسازی فرهنگی خود قرار داده بود، طی اقداماتی مخالفت عملی خود را با اسلام و فرهنگ و سنن اسلامی جامعه آغاز کرد. از جمله این اقدامات می‌توان به حضور روز افزون میسیون‌های مذهبی، تأسیس مدارس جدید، بازگشت اشراف‌زادگان تحصیل کرده از فرنگ، تأسیس کانون‌ها و انجمن‌های روشنفکری، تغییر نظام آموزشی، اجباری کردن استفاده از کلاه شاپو، صدور قانون متحدالشکل نمودن البسه، کشف حجاب بانوان، ترویج بی‌قیدی در میان زنان، جلوگیری از حضور زنان با حجاب در پارک‌ها، سینماها، تأثیرها، هتل‌ها و سایر مراکز عمومی و ... اشاره نمود.

رضا شاه که ریشه‌دار بودن تفکر دینی و مبانی ارزشی حاکم بر جامعه ایرانی را مانعی جدی بر سر راه فرآیند مدرن‌سازی می‌پنداشت، پس از تنها سفر خارجی‌اش به ترکیه در ۱۲ خرداد ۱۳۱۳، بیش از اندازه تحت تأثیر اقدامات غرب‌گرایانه آتاتورک قرار گرفت. از این رو پس از بازگشت به ایران عزم خود را برای غربی شدن جامعه ایران نی‌جزم نمود و مدعی آن شد که اگر مردم لباس متحدالشکل بپوشند، کلاه پهلوی به سر گذارند و نسبت به تقیدات دینی سستی نشان دهند متمدن خواهند شد.

مسافرت رضا شاه به ترکیه جدای از آنکه فصل جدیدی در مناسبات دو کشور گشود، تغییرات عمیقی نیز در روحیات و سیاست‌های رضا شاه علی‌الخصوص درباره زنان و حجاب آنان بوجود آورد.

مستشارالدوله سفیر کبیر ایران در ترکیه، تأثیرپذیری رضاخان از بی‌حجابی زنان ترکیه را چنین توضیح می‌دهد: « شبی پس از پایان ضیافت رسمی باشکوه وقتی رضاشاه به عمارت حزب خلق که محل اقامت او در آنکارا بود مراجعت کرد تا پاسی از شب خوابید و در تالار بزرگ خانه ملت قدم می‌زد و فکر می‌کرد و گاه گاه بلند می‌گفت: عجب! عجب! وقتی چشمان شاه متوجه من شد که در گوشه تالار ایستاده بودم، فرمود: صادق، من تصور نمی‌کردم ترکها تا این اندازه ترقی کرده و در اخذ تمدن اروپا جلو رفته باشند. حالا می‌بینم که ما خیلی عقب هستیم مخصوصاً در قسمت تربیت دختران و بانوان؛ ... فوراً باید با تمام قوا به پیشرفت سریع مردم مخصوصاً زنان اقدام کنیم.»^۱

رضا خان که شدیداً تحت تأثیر بی‌حجابی زنان ترکیه قرار گرفته بود، این مسئله را یک سال و اندی پس از سفر خود به ترکیه در آذر ۱۳۱۴ به محمود جم رئیس‌الوزرا چنین بازگو می‌نماید: « نزدیک دو سال است که این موضوع - کشف حجاب - سخت فکر مرا به خود مشغول داشته است، خصوصاً از وقتی که به ترکیه رفتم و زنهای آنها را دیدم که « پیچه » و « حجاب » را دور انداخته و دوش به دوش مردهایشان در کارهای مملکت به آنها کمک می‌کنند، دیگر از هر چه زن چادری است بدم آمده است. اصلاً چادر و چاقچور دشمن

ترقی و پیشرفت مردم است. درست حکم یک دمل را پیدا کرده که باید با احتیاط به آن بیشتر زد و از بینش برد. « ۲

از این رو بخشنامه کشف حجاب جهت تصویب رضا شاه در تاریخ ۲۷ آذر ۱۳۱۴ از طرف رئیس‌الوزرا به دربار فرستاده شد تا در اول دی سال دستور العمل اجرای غیر رسمی قانون کشف حجاب به تمام ولایات ایران ارسال گردد. رضا شاه در روز هفدهم دی ماه ۱۳۱۴ برای اعطای گواهینامه فارغ‌التحصیلان به دانشسرای عالی رفته بود، در حالی که ملکه ایران و دختر بزرگش بدون حجاب بودند و لباس‌های اروپایی به تن کرده بودند، طی نطقی از کشف حجاب و پیشرفت زنان سخن گفت:

« ... شما زنها باید این روز را که روز سعادت و موفقیت شماست روز بزرگی بدانید و از فرصتی که بدست آورده اید برای خدمت به کشور خود از آن استفاده کنید ... شما خواهران و دختران من حالا که داخل جامعه شده‌اید و برای پیشرفت خود و کشورتان این قدم را برداشته‌اید باید بفهمید که وظیفه شما این است که برای کشور خودتان کار کنید، سعادت آینده در دست شماست. « ۳

بدین سان از فردای آن روز، بر سر کردن چادر در خیابان‌های تهران ممنوع شد و دولت و سایر دستگاههای اجرائی در کشور موظف گردیدند برای پیشبرد این طرح در ولایات مختلف بکوشند. به همین منظور از اقدامات تبلیغاتی و انتظامی در حد وسیعی بهره‌گیری شد و حتی مسئولین در بسیاری از موارد، کاربرد قوه قهریه را نیز در اولویت قرار دادند.

از آن روز به بعد آموزگاران و دختران دانش‌آموز از داشتن حجاب ممنوع شدند و افسران ارتش با زنانی که حجاب داشتند راه نمی‌رفتند. در اتوبوس زنان با حجاب را راه نمی‌دادند و در معابر پاسبان‌ها از اهانت و کتک زدن به زنهایی که چادر داشتند با نهایت بی‌پروایی و بی‌رحمی فروگذار نبودند. حتی بعضی از مأموران بخصوص در شهرها و دهات زنهایی را که پارچه روی سر انداخته بودند، اگر چه چادر معمولی نبود از سر آنها کشیده و پاره پاره می‌کردند و اگر زن فرار می‌کرد او را تا اندرون خانه‌اش تعقیب می‌کردند و به این هم اکتفا نکرده اتاق زن‌ها و صندوق لباس آنها را تفتیش کرده، اگر چادر از هر قبیل می‌دیدند پاره پاره می‌کردند یا به غنیمت می‌بردند. ۴

تصویب و ابلاغ قانون کشف حجاب بیش از پیش جامعه روحانیت را با محدودیت مواجه کرده بود، اعتراضات علما و روحانیون و مخالفت‌های گسترده‌ی مردمی را نیز در سراسر کشور و در شهرهایی نظیر قم، اصفهان و شیراز در پی داشت که مهمترین نمونه آن قیام بزرگ مسجد گوهر شاد مشهد بود. ۵

اگر چه با انتشار خبر قیام گوهر شاد، مقدمات اعتراض اجتماعی وسیعی فراهم شد، اما فقدان رهبری منسجم و خشونت شدید حکومت از جمله عواملی به شمار می‌آیند که نه تنها این اعتراضات را ناکام گذاشتند بلکه رضاخان را نیز مصمم به اجرای خشونت بار کشف حجاب نمودند. با این حال قیام گوهر شاد که یک سال پس از بازگشت رضا خان از سفر به ترکیه و مشاهدات وی در مورد بی‌بند و باری و بی‌حجابی زنان ترکیه به وقوع پیوسته بود، از یکسو حکایت از تأثیر بی‌چون و چرای رضاخان از فرهنگ غربی داشت و از سوی دیگر از تعارض این فرهنگ با فرهنگ اسلامی جامعه ایران و عدم پذیرش موازین غیر شرعی توسط مردم نیز خبر می‌داد.

امام خمینی به عنوان رهبر انقلاب اسلامی که در سال ۱۲۹۹ کودتای رضا خان را محکوم کرده بود و در برابر سیاست‌های ضد دینی پهلوی اول همچون کشف حجاب، جدایی دین از سیاست، رواج فرهنگ اروپایی در ایران، اهانت به روحانیت و ... نیز موضع‌گیری

نموده بود؛ این مسئله را چنین شرح می‌دهند: «در رژیم طاغوتی پهلوی آن ظلمی که به بانوانی که مقید بودند به اینکه بر طبق اسلام عمل کنند و موافق آنچه که اسلام امر کرده است ذی خودشان را قرار دهند، در آن زمان رضا شاه به وضعی و در زمان محمد رضا به وضع دیگر. و بحمدالله بانوان ایران مقاومت کردند و جز یک دسته‌ای که جزء دار و دسته خود آنها بودند و غربزده بودند و با رژیم او مناسب بودند، سایر خواهرها مقاومت کردند. بنابراین اسلام در ایران زنده شد، آن خدمتی که به بانوان کرده است و خواهد کرد ارزشش به اندازه‌ای است که نمی‌توانیم ما توصیف کنیم. اگر نبود این انقلاب و نبود این تغییر و تحولی که در ایران واقع شده بود، بعد از چند سال دیگر اثری از اخلاق اسلامی در ایران نبود.»^۶

اگر چه پس از سقوط رضا شاه قاعده یکسانی در خصوص کشف حجاب و اتحاد شکل لباس وجود نداشت، اما لزوم پاسخ به مطالبات و افکار عمومی، مقامات را به عقب‌نشینی واداشت. به عنوان نمونه می‌توان به استعلام وزیر کشور از نخست‌وزیر در تاریخ ۱۳۲۲/۱۰/۱ اشاره نمود که طی آن به صراحت از عقب‌نشینی اجباری دولت در قبال کشف حجاب سخن به میان آمده است.^۷

در مجموع می‌توان چنین اذعان نمود که واقعه‌ی کشف حجاب در دوران پهلوی از یک سو حکایت از بحران حقوقی زنان در جامعه سنتی ایران داشته و از سوی دیگر زنان را به عنوان عناصر و ابزار نوگرایی رژیم در آورده بود.

پی نوشت فصل :

- ۱- حسین مکی، تاریخ بیست ساله ایران، ج ششم، تهران: ناشر، ۱۳۶۲، ص ۱۵۷.
- ۲- مهدی صلاح، کشف حجاب، زمینه‌ها، پیامدها و واکنش‌ها، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۸۴، ص ۱۱۸.
- ۳- حکایت کشف حجاب، تهاجم فرهنگی غرب و کشف حجاب، تهران، مؤسسه فرهنگی قدر ولایت، ۱۳۷۸، ص ۲۵.
- ۴- محسن صدر، خاطرات صدرالاشراف، تهران، نشر وحید، ۱۳۶۴، ص ۳۰۵.
- ۵- علیرضا امینی، تحولات ساسی و اجتماعی ایران در دوران پهلوی، صدای معاصر، ۱۳۸۱، ص ۴۰.
- ۶- صحیفه نور، ج ۱۸، ص ۲۶۱.
- ۷- مرتضی جعفری، واقعه کشف حجاب، اسناد منتشر نشده از واقعه کشف حجاب در عصر رضاخان، تهران، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی و مؤسسه پژوهشی و مطالعاتی فرهنگی، ۱۳۷۱، ص ۴۵۹، سند شماره ۲۲۲.

فصل دوم

بدمجابی در نگرش جامعه شناسی

معنی شناسی بدمجابی

انمراف اجتماعی

تبیین های مختلف از انمراف اجتماعی

رویکرد عرضه و تقاضا

بدمجابی در رویکرد عرضه و تقاضا

مجاب در قرآن

بدحجابی در نگرش جامعه شناختی

یکی از رویکردهای مطرح در زمینه تبیین انحرافات اجتماعی، رویکرد گزینش عاقلانه است. طبق یکی از نگاه های جدید در این رویکرد، رابطه منحرفانه و کجروانه به منزله بازار انحراف و جرم است که مشتمل بر تقاضا و عرضه می باشد. بر طبق برداشت های جدید، فرد منحرف در بخش تقاضا قرار دارد و فرد بزه دیده به هیچ وجه در این جریان، منفعل و بی تأثیر نیست بلکه با قرار گرفتن در بخش عرضه، فعالانه در شکل گیری عمل منحرفانه شرکت می کند. این مدل تحلیل، در مورد انحرافات اجتماعی و اخلاقی ناشی از عدم رعایت حجاب صحیح کاربرد دارد و مستلزم سیاست های کنترلی متناسب با خود است. اگر با این رویکرد به تحلیل برخی متون دینی (آیات مربوط به حجاب) بپردازیم، شاهد تأیید این مدل در این آیات خواهیم بود و تشریح حجاب به منزله یک سیاست کنترلی، به خوبی در این مدل معنا می یابد.

موضوع بدحجابی در جامعه ما از اموری است که ذهن بسیاری از دینداران جامعه را به خود مشغول داشته است. تلقی بدحجابی به عنوان امری نابهنجار و نامطلوب نشانگر این است که ذهنیت فرهنگی و دینی ما برای بدحجابی آثار و تبعات نامطلوبی قائل است و به تعبیر دیگر، آن را علت برخی پدیده های نامطلوب دیگر در جامعه می انگارد. در این فصل سعی شده، با مروری کوتاه بر نظریه های علمی ارائه شده در زمینه تبیین (علت یابی) انحرافات و ناهنجاری های اجتماعی و سیر تحول آن نظریه ها، موضع جدیدترین نظریه ها، نسبت به این تلقی رایج در میان دینداران جويا شود و سرانجام با استمداد از بیانات عالمان دینی، از چشم انداز دینی به این موضوع پرداخته شود. اما پیش از بیان نظریه های مطرح در این زمینه، در ابتدا لازم است، مفاهیم اصلی به کار رفته در این فصل تعریف گردد.

معنی شناسی بدحجابی

همانگونه که از ترکیب لفظی این مفهوم برمی آید، برای تعریف بدحجابی بهتر است، در ابتدا حجاب و حدود آن مشخص گردد و از آنجا که هدف دستیابی به اصطلاح شرعی این مفهوم است، باید دید که حجاب علاوه بر معنای لغوی، در شرع اسلام چه معنایی دارد. از نظر لغوی، لغت حجاب به معنای پوشیدن، پرده و حاجب به کار رفته و در هیچ موردی اصالتاً به معنای نوع، سبک پوشیدن و نوع سبک لباسی که پوشیده می شود، اطلاق نشده است.

در اصطلاح فقهی نیز برای رساندن معنای پوشش زنان، از لغت حجاب استفاده نشده و نمی شود، بلکه از لغت «ستر» که به طور دقیق، در معنای پوشش و پوشاندن است، استفاده می شود.

در مورد میزان و مقدار پوشش بدن که در شرع اسلام برای زنان واجب شمرده شده است، با نگاهی به رساله های عملیه مراجع تقلید می توان دریافت که حجاب صحیح و واجب عبارت است از، پوشانیدن تمام بدن به جز قرص صورت و دو دست (از مچ دست به پایین). اما این تعریف فقهی تعریف حداقلی است و با نگرشی وسیع تر و دیدی اجتماعی به احکام اسلام شاید بتوان گفت تعریفی ناقص است. به سخن دیگر، بر طبق رویکرد عالمان ژرف اندیش دینی، با تأمل دقیق در منابع آموزه های دینی، می توان از جنبه های فردی این حکم فراتر رفت و به ابعاد اجتماعی این رفتار متوجه گردید. همان گونه که استاد شهید مرتضی مطهری خاطر نشان ساخته است: «پوشش {وحجاب زن} در

اسلام این است که زن در معاشرت خود با مردان بدن خود را بپوشاند و به جلوه گری و خودنمایی نپردازد . «

بنابراین ، مقصود از حجاب اسلامی ، آن نوع پوششی است که دارای این دو ویژگی باشد :

۱. حدود شرعی پوشش در آن رعایت شده باشد .

۲. با خودنمایی و جلب نظر نامحرمان همراه نباشد . طبق این تعریف ، حجاب امری نیست که صرفاً به موضوع پوشش مرتبط باشد ، بلکه

امر رفتاری نیز هست .

با روشن شدن مفهوم حجاب ، تصور جامع تری از بدحجابی در ذهنمان شکل می گیرد . بدحجاب فقط کسی نیست که حد واجب حجاب شرعی را رعایت نمی کند ؛ ممکن است کسی این حدود را کاملاً رعایت کند ولی در عین حال وضع ظاهرش ، نوع رفتارش با مردان ، نوع سخن گفتنش ، نوع راه رفتنش ، حتی نوع نگاهش به افراد و اطرافش و در یک کلام ، نوع رفتار ارتباطی او در اجتماع به گونه ای باشد که « زبان دار » باشد ، یعنی با زبان بی زبانی توجه نامحرمان را به خود جلب نماید . تذکر این نکته لازم است که ویژگی خودنمایی و به تعبیری ، زباندار بودن رفتار و پوشش ، ربطی به آگاهی و قصد فاعل رفتار یا پوشش ندارد و ممکن است این جلب نظر غیر آگاهانه و غیر عمدی باشد .

انحراف اجتماعی

انحراف یا کجروی به رفتار یا کنشی اطلاق می شود که هنجارهای مقبول جامعه را زیر پا می گذارد . در هر جامعه ای بر حسب موقعیت های گوناگون ، انتظارات خاصی از اعضای جامعه وجود دارد . بی توجهی به این انتظارات به معنای انحراف از آن ها محسوب می شود . این انتظارات و هنجارها بسته به اهمیتی که جامعه برای آن ها قائل است ، می تواند واکنش های متفاوت اجتماعی را در قبال نقض آن ها برانگیزد ؛ بر این اساس ، هنجارهای اجتماعی را به سه دسته کلی می توان تقسیم بندی نمود :

۱) شیوه های قومی : شیوه های قومی به آن دسته از هنجارهای اجتماعی اطلاق می شود که نقض آن ها هر چند نامطلوب و نابهنجار تلقی می شود ، ولی واکنش شدید مردم را در پی ندارد و واکنش در حد عدم تأیید آنان محدود می ماند . مانند کسی که چشم چرانی کند ، این رفتار گرچه امری نامطلوب تلقی می شود ولی معمولاً مردم با مشاهده آن چندان واکنشی نسبت به فرد مزبور نشان نمی دهند .

۲) رسوم اخلاقی : یعنی هنجارهای نیرومندی که از نظر اخلاقی مهم محسوب می شود و مجازات متخلفان از آنها ، شدیدتر و شامل جریمه های مالی و فیزیکی می شود . برای مثال در جامعه ما حفظ حریم و احترام بانوان از هنجارهای مهم به شمار می رود و اگر کسی با گفتن متلک و سایر اذیت های کلامی این هنجار را نقض کند ، سایر افراد شاهد قضیه به شدت با وی برخورد خواهند کرد .

۳) قانون: قانون آن دسته از هنجارهای اجتماعی است که جامعه، آنها را چنان برای بقای خود حیاتی می داند که هنگامی تخلفی در مورد آن صورت بگیرد، دولت و ابزارهای حکومتی را به مقابله با آنها وامی دارد و متخلف از آنها ممکن است به زندان، محرومیت از حقوق اجتماعی یا اعدام محکوم شود مانند ارتکاب زنا یا به عنف.

در این فصل مقصود از انحرافات اجتماعی، انحراف از هنجارهای اجتماعی نوع دوم و سوم است، یعنی انحراف هایی که واکنش های نسبتاً شدید اجتماعی را ایجاد می نماید.

تبیین های مختلف از انحراف اجتماعی

انحراف اجتماعی مورد تبیین های مختلفی قرار گرفته است، از قبیل: تبیین های زیست شناختی، روان شناختی و اجتماعی. در تبیین زیست شناختی: محور اصلی موضوع، ویژگی های بیولوژی و زیست شناسی فرد منحرف است که در آن ساختمان بدن تا عوامل ژنتیک شخص کجرو، مورد توجه و بررسی قرار می گیرد.

در تبیین روان شناختی: بر تفاوت های فردی اشخاص در شیوه تفکر و احساس درباره رفتار خویش تأکید می شود.

در تبیین اجتماعی: (که اینجا صرفاً این موضوع مورد بحث قرار می گیرد)، انحراف اجتماعی نوعی کنش اجتماعی محسوب می شود؛ بنابراین برای شناخت آن لازم است، مروری کوتاه به رویکردهای کلی و مهم در تبیین کنش اجتماعی شود تا در پرتو آن، پدیده انحراف اجتماعی مورد توجه قرار گیرد. با مروری بر نظریه های گوناگون در این حوزه، رویکردهای عمده و مهم در این زمینه به قرار ذیل می باشد:

۱) رویکرد کارکردگرا

بر طبق رویکرد کارکردگرا «شئون مختلف جامعه را بر حسب پیامدهای سودمندی که برای نظام بزرگ تر اجتماعی دارند، تبیین می کنند.» برای مثال اگر سؤال شود که چرا در هر جامعه ای با وجود سیاست های کنترلی، میزانی از انحراف از هنجارهای اجتماعی به چشم می خورد، گفته می شود که به طور اساسی وجود میزانی از انحراف و هنجارشکنی در جامعه، برای حیات و بقای آن مطلوب و حتی ضروری است؛ چرا که انحراف و هنجارشکنی موجب می شود که هنجارهای اجتماعی از حالت اجمال و ابهام به درآیند و وضوح و روشنی بیشتری برای آحاد جامعه پیدا نمایند و این امر، وفاق بر سر هنجارها را که اساس انسجام اجتماعی را تشکیل می دهد، سهل تر می سازد.

۲) رویکرد ساختارگرا

بر حسب رویکرد ساختارگرا «شئون مختلف جامعه را بر حسب پیامدهای پیش بینی پذیر اوصاف ساختاری جامعه تبیین می کنند.» به عنوان نمونه در مقام پاسخ به این سؤال که چرا در جامعه ما با وجود مقبولیت عام یک سری ارزش های اخلاقی در باب روابط مرد و زن، انحراف اجتماعی در این زمینه با درجات مختلف به چشم می خورد، اگر پاسخ داده شود که چون ساختار اقتصادی کشور موجب شده که

افراد توانایی لازم برای تأمین حداقل امکانات برای تشکیل خانواده را نداشته باشند و به همین جهت از راه های خلاف هنجارهای اجتماعی به تأمین نیازهای غریزی خود روی می آورند، در واقع تبیینی ساختاری از این پدیده به دست آمده است.

۳) رویکرد ماتریالیستی

در رویکرد ماتریالیستی، با تحلیل صورت های مختلف تکنولوژی و آرایش های اجتماعی حاکم بر تولید (پایه اقتصادی) می توان ویژگی های مهم حیات جمعی را تبیین نمود. مطابق این رویکرد، وجود انحراف اجتماعی و هنجارشکنی در جوامع امروزی ناشی از این امر است که در این جوامع اقتصاد سرمایه داری حاکم است. تأکید بر فردگرایی یکی از نیازهای حیاتی چنین نظام اقتصادی است و رواج فردگرایی به معنای سست شدن پابندی افراد جامعه به هر چیزی است که لازمه ی آن کنار گذاشتن خواسته های فردی و توجه به اقتضائات زندگی جمعی است.

چنانکه مشاهده می گردد، این سه رویکرد در تبیین کنش های اجتماعی از جمله انحرافات اجتماعی، بر عوامل کلان اجتماعی (که در خارج از ذهن کنشگر قرار دارند) تأکید دارند و به متغیر فرد کنشگر، ذهنیت و فعل و انفعال هایی که در ذهن او صورت می گیرد تا به ارتکاب عملی منتهی می شود، توجهی ندارند. هرچند توجه به عوامل کلان به هیچ وجه قابل اغماض نیست و در جای خود ضروری است، ولی از آنجا که کنش، از یک عامل انسانی دارای آگاهی و اراده سرمی زند، نقش فرد کنشگر را نباید از نظر دور داشت. در اینجا ضمن اذعان به سودمندی تبیین های سطح کلان، برای تبیین در سطح خرد، بر توضیح رویکرد ذیل متمرکز می گردد.

۴) رویکرد گزینش عاقلانه

رویکرد گزینش عاقلانه، یک اصل محوری دارد و آن « این است که رفتار آدمیان، هدفدار و سنجیده (سنجشگرانه) است... آدمیان در چند راهی ها، راهی را که با اغراضشان موافق است اختیار می کنند، برای رفتن به هر راهی محاسبه سود و زیان می کنند... عملی عاقلانه و سنجیده است که در چارچوب اطلاعات مشخص از شقوق مختلف، وسیله مناسبی برای رسیدن به هدفی باشد.» بنابراین، رفتار منحرفانه نیز نوعی تصمیم گیری فردی و گزینش عقلانی فایده گرایانه است که پس از سنجش پیامدهای مثبت و منفی رفتار منحرفانه صورت می گیرد؛ به علاوه، در این رویکرد اصل بر این است که امکان گزینش و تصمیم گیری برای همه افراد به یکسان وجود دارد.

در قلمرو جرم شناسی، نقطه اوج این نوع تبیین را در آغاز می توان در قرن هفدهم میلادی در ایده های مکتب کلاسیک در حوزه جرم شناسی مشاهده نمود. اصول این تفکر با پیدایش تفکر پوزیتیویستی در حوزه علوم طبیعی و انسانی به دست فراموشی سپرده شد. از اواسط دهه ۱۹۷۰ به بعد نیز می توان شاهد طرح تدریجی این دست تبیین ها بود؛ در این تبیین ها از نو، بزهدکاران، کنشگرانی اندیشه ورز تلقی می شوند که برای ارتکاب رفتارهای انحرافی خود برنامه ریزی های خاص دارند، از جمله آن که قبل از هر چیزی، آماج های رفتار خویش را مورد توجه قرار می دهند و اگر ضررها و خطرهای عمل مورد نظر را بیش از منافع حاصل از آن ببینند، از ارتکاب

آن چشم می پوشند .

رویکرد عرضه و تقاضا

اهمیت رویکرد گزینش عاقلانه در حوزه تبیین های خرد از رفتار منحرفانه در این است که اساس و مبنای نظریه ها و رویکرد های متفاوتی در این زمینه شده است. یکی از اساسی ترین و قدیمی ترین این ها، رویکردی است که رابطه منحرفانه و کجروانه را به صورت بازار عرضه و تقاضا تصویر می کند و فرد کجرو را در جایگاه « عرضه کننده » می نشاند.

« ارلیش » { Aerlishuu } با چنین دیدگاهی نقش عوامل بازدارنده (مانند مجازات های قانونی و اجتماعی در نظر گرفته شده) را دارای اهمیتی قاطع در تعیین فراوانی انحراف و کجروی در هر جامعه ای می داند. بنابراین برای کنترل روند انحرافات، باید بالا بردن هزینه جرم از طریق تقویت بازدارنده ها، مثل مجازات بزهکار، پلیس و نظام جزایی را در دستور کار قرار داد. اشکالی که در این رویکرد هست، این است که به طور مشخص بیان نمی شود که در این بازار انحراف و جرم، نقش تقاضا را چه کسی ایفا می نماید.

اما روایت جدیدتر تفسیر « ون دیک » { Vaon Diek } از این رویکرد است. وی فرد منحرف و آسیب ساز را شاخص بخش « تقاضا » و بزه دیده (کسی که از رفتار انحرافی آسیب می بیند) را شاخص بخش « عرضه » قلمداد می کند؛ بدین معنا که آنچه فاعل حقیقی کجروی در بازار جرم و کجروی دارد، صرفاً آمادگی و انگیزه و گاه ابزار لازم برای این کار است؛ در مقابل، آنچه فرد بزه دیده عرضه می دارد، آسیب پذیر نمایاندن خود و ایجاد این باور در فرد منحرف است که می تواند انگیزه و توانمندیش برای هنجارشکنی را به فعلیت برساند. بدین سان روشن می شود که این روایت از رویکرد گزینش عاقلانه، یک گام از روایت قبل جلوتر است؛ چرا که تحلیل خود را صرفاً بر شخص خاطی متمرکز نمی سازد بلکه به نقش آفرین بزه دیده در جریان انحراف و کجروی صحنه و تأکید می گذارد. به تصریح برخی محققان در خلال دهه ۱۹۹۰، « در میان جدیدترین معارف جرم شناختی، دیگر مسأله عمده، مجرم نیست بلکه بزه دیده است، یعنی کسی که شیوه زندگی و فعالیت های روزمره وی ممکن است او را در برابر جرم آسیب پذیر کند. » این بیان گرچه به طور مشخص در مورد شکستن هنجارها از نوع قانون (نوع سوم از تقسیم بندی هنجارهای اجتماعی) ابراز شده ولی به راحتی می توان آن را به سایر هنجارهای اجتماعی نیز تعمیم داد.

بدجایی در رویکرد عرضه و تقاضا

تبیین های مختلف از انحراف اجتماعی، به طور عام و نظریه مبتنی بر ایده بازار عرضه و تقاضا به طور خاص، جنبه تبیینی دارند؛ بدین معنا که به دنبال تعیین مقصر اصلی در کنش منحرفانه و هنجارشکنانه نیستند. از این رو، بر حسب این نظریه، کسی که عامل انحراف تلقی می شود (در صورتی که انحراف در حد نقض قانون باشد)، از نظر حقوقی مسئول شناخته نمی شود و لازم نیست بار مجازات را تحمل کند. زیرا همان طور که گفته شد، مقصود اصلی این است که در عین اذعان به مسئولیت فرد منحرف و متخلف نسبت به عمل خود، شناسایی زمینه و عوامل کوچک و بزرگی که موجب پدید آمدن و تحقق کنشی کجروانه شده اند، فراهم گردد تا بدین ترتیب، سیاست

هایی که در جهت کاهش انحراف پیشنهاد و اجرا می شود، نسبت به برخی عوامل بروز انحراف دچار بزرگ بینی بیش از حد و نسبت به برخی دیگر دچار غفلت و جهل نگردد.

برای مثال در مورد مبحث اصلی این فصل که در حوزه روابط بین مرد و زن می باشد، به طور قطع هیچ جامعه ای را نمی توان یافت که در این مورد کاملاً فاقد هنجار و قواعد رفتاری باشد. تقض این هنجارها نیز بسته به اهمیت هنجار تقض شده، واکنش متناسب با خود را در پی خواهد داشت. برطبق نظریه عرضه و تقاضا، در راستای حفظ هنجارها، حریم ها و ارزش های حاکم بر جامعه و نیز به دنبال راهکارهایی برای کاهش یا حذف انحرافات علاوه بر اینکه مجازات متوجه فرد منحرف می شود، شخص بزه دیده هم (که در این موارد معمولاً جنس زن است)، از این سرزنش و سیاست در امان نمی باشد، چرا که او هم صرفاً منفعل نبوده است. چون زنان به علت مطلوبیت های طبیعی که خواه ناخواه در ظاهر و جسم خود، در نظر مردان دارند و نیز به علت مطلوبیت ها و جذابیت هایی که می توانند آگاهانه یا ناآگاهانه (براساس تربیت نادرست) به رفتار خود در منظر مردان بیخشند، در بخش عرضه قرار می گیرند. این در حالی است که در وضع عادی، جذابیت ها و مطلوبیت های مردان برای زنان از سنخ امور ظاهری و جنسی نیست و از این لحاظ آنان عرضه کننده نیستند بلکه متقاضی هستند.

بنابراین، هر قدر این اقسام زیبایی ها از جانب زنان، بیشتر در دسترس مردان باشد، به معنای عرضه ی بیشتر آن ها در برابر انظار متقاضیان است. اقتضای چنین وضعی، بیانگر این پیام (هر چند معمولاً ناخواسته) از جانب زنان بالقوه بزه دیده به مردان بالقوه کجرو است که آن ها به راحتی به این نوع زنان دسترسی پیدا کنند. در این صورت امکان تقض هنجار سهل تر و کم هزینه تر می گردد. آنچه در این میان مانع بروز کنش کجروانه می شود، یکی هزینه بالای کجروی به علت مجازات سنگین قانونی یا اجتماعی و دیگری، کاهش آگاهانه یا ناآگاهانه عرضه از طریق وجود الگوهای رفتاری صحیح در میان زنان است.

با چنین مقدمه ای روشن می شود که بی حجابی یا بدحجابی به معنای عام، عرضه هر چه بیشتر است. یکی از راههای کاهش عرضه، رعایت حجاب به معنای عام آن (پوشش اندام و زباندار نبودن رفتار) است، چرا که فرصت های هنجارشکنی را از دست کجروان می گیرد. البته این نکته نیز شایان ذکر است که این پوشش و محافظت نباید چنان افراط آمیز باشد که خود از سویی دیگر به جلب توجه و در نتیجه، به نوع دیگری از عرضه منجر شود. به طور کلی اساس حد و مرز افراط و تفریط در این باب بیشتر به عادات فرهنگی هر جامعه یا اجتماعات کوچکتر برمی گردد. برای مثال در اجتماعات روستایی، بیرون ماندن مقداری از موی سر زنان در برابر مردان نامحرم شاید عرضه و مایه جلب توجه نباشد (به همین دلیل برخی مراجع از جمله حضرت امام (ره) در رساله های علمیه خود هر چند با احتیاط بسیار، این مقدار را از شمول وجوب ستر استثناء کرده اند)، ولی معلوم نیست، همین امر در غیر روستا چنین وضعی داشته باشد. پس از آشنایی با این نظریات، نظرگاه متون دینی در تأیید یا نفی این رویکرد مورد بررسی قرار می گیرد. اما قبل از ورود به این بحث لازم است، نکته ای در باب رابطه بین گزاره های دینی و نظریات علمی روشن شود. پر واضح است که اعتبار گزاره های دینی اسلام، از اعتقاد به مبدأ وحی نشأت می گیرد و تأیید یا عدم تأیید علوم تجربی نمی تواند و نباید در پایبندی به گزاره های دینی دست کم در خصوص ضروریات دین خدشه وارد سازد. اما این نکته را نمی توان انکار کرد که اطلاع از این نظریات که حاصل تلاش و کنکاش عقل

بشری برای حل مشکلات زندگی و اصلاح راه های رفته است ، می تواند به فهم بهتر و روشنتر گوهرهای گران بهایی که منبع وحی در اختیار دینداران قرار داده ، کمک شایان نماید . به علاوه ، این نظریه و نظریه های مشابه آن تراوش ذهنی کسانی است که در یک بستر فرهنگی خاص با سابقه تاریخی بی اعتنایی به گزاره های دینی پرورش یافته اند و کشانده شدن آنان به اتخاذ چنین مواضع علمی ای ، به معنای یک عقب نشینی از مواضع علمی گذشتگان خود و به یک معنا دلالت گر بر آزمون تجربی گزاره های دینی اسلام است ، امری که امکان آن برای مسلمانان به لحاظ ویژگی های فرهنگی فراهم نیست .

حجاب در قرآن

عمده متون دینی که در این بخش مطرح می گردد ، آیات مربوط به حجاب است که دو سوره ی قرآن یعنی نور و احزاب آمده است . در این نوشتار ، به آنچه در این آیات در مورد تعیین حد واجب آمده پرداخته نمی شود ، بلکه مقصود اصلی بهره بردن از آن ها در راستای موضوع بحث است .

محدود شدن تقاضا

- « قل للمؤمنین یغضوا من ابصارهم و یحفظوا فروجهم ذلک ازکی لهم ان الله خبیر بما یصنعون . »

خداوند متعال در این آیه تکلیف مرد نامحرم را در عرصه ی اجتماع و به هنگام برقرار کردن ارتباط با زن نامحرم مشخص ساخته است . خداوند متعال به پیامبر اکرم (ص) دستور می دهد که به مردان مؤمن ابلاغ کند که از خیره شدن به زنان پیرهیزند و دامان خود را از گناه حفظ کنند . (یا بر طبق تفسیر دیگری، فرج خود را از دیدگان دیگران پپوشانند .)

محدود شدن عرضه

زنان مؤمن همچون مردان باید نگاه خویش را کنترل نمایند . اما آن ها علاوه بر این تکلیف مشترک ، موظف به انجام تکالیف دیگری نیز هستند . این تفاوت و تکلیف اضافی ، نه از روی تبعیض ناروا بین زن و مرد است بلکه متناسب با تفاوت ذاتی این دو جنس است . مرد متقاضی است و همواره از طریق دیدن به دامن خطا می افتد ، بر خلاف زن که چنین نیست . خطای زن در نحوه عرضه زیبایی های خویش است که همان خودنمایی و جلب نظر است ؛ از این رو ، شارع مقدس با تشریح حجاب در نظر داشته که عرضه ، به حیطة خاصی (محیط امن خانواده) محدود شود . محدودیت عرضه ، در اصل موجب محدود گشتن تقاضا می گردد . زیرا زنان با رعایت و حفظ حجاب ، خود را از هوس بازی های مردان در امان نگه می دارند و می توانند آزادانه در جامعه حضور پیدا کنند ، بدون اینکه مورد اذیت و آزار قرار بگیرند و خود را به راحتی و ارزان در عرضه تماشای مردان قرار دهند .

همان طور که در مفهوم شناسی حجاب ذکر گردید ، عرصه حجاب محدود به یک زمینه نیست ، بلکه دامنه آن فراتر از حفظ پوشش ظاهری است که به این موارد اشاره می گردد :

۱) پوشش

« يحفظن فروجهن و لا يبدین زينتهن الا ما ظهر منها و ليضربن بخرهن علی جیوبهن »

« و زیور خویش آشکار نکنند ، مگر آنچه پیداست و سرپوش های خویش بر گریبان ها بزنند . » در فراز انتهایی این آیه ، دستور دیگری به عنوان مکمل حجاب شرعی ذکر شده که مؤید نگرش مذکور است : « و پای به زمین نکوبند که زیورهای مخفیشان دانسته شود . »

زنان عرب معمولاً خلخال به پا می کردند و گاه برای آن که بفهمانند که زینتی قیمتی به پا دارند ، پای خود را محکم به زمین می کوبیدند . مضمون این نهی را می توان توسعه داد و هر آنچه عرضه و خودنمایی زن تلقی می شود ، مانند استعمال عطرهای تند و آرایش در چهره را می توان ممنوع دانست .

موارد استثنائی : البته در جایی که تقاضایی نباشد ، منطبق حکم می کند که این حکم لغو شود ، چنانچه در ادامه فrazی از این آیه ذکر گردیده است . این موارد استثنائی ، گاهی در جانب تقاضا یعنی مرد و گاهی در جنبه عرضه ، یعنی زن قرار دارد که به اجمال شامل موارد ذیل می گردد :

- مردانی که احتیاج به زن ندارند ؛ « و زیور خویش آشکار نکنند مگر ... مردان طفیلی که حاجت به زن ندارند . » مقصود از مردان طفیلی ، قدر مسلم دیوانگان و افراد ابله است که به علت عدم درک زیبایی های زنان در زمینه امور جنسی اساساً در خارج از دایره ی تقاضا قرار دارند .

- کودک نابالغ ؛ « کودکانی که از راز زنان آگاه نیستند (یا بر کام جویی از زنان توانا نیستند) . »

- زنان پیر ؛ « و زنان قاعده و بازنشسته که امید ازدواج ندارند ، باکی نیست که جامه خویش (یعنی روسری و چهارقد) را بر زمین نهند (البته) در صورتی که خود را به زیوری نیاراسته باشد و قصد خودنمایی نداشته باشند ؛ و اگر از این نیز خودداری کنند برایشان بهتر است . » این آیه را می توان به عنوان استثنائی دیگر بر حکم حجاب که قبلاً ذکر شد دانست و فلسفه آن این است که این زنان به طور عادی ، چیزی برای عرضه ندارند و رغبت و تقاضایی نسبت به آنان وجود ندارد ؛

از این رو ، وجوب حجاب (لزوم پوشانیدن سر در حضور نامحرم) از آنان برداشته شده است ؛ ولی همانگونه که در آیه تصریح شده این رخصت مشروط به این است که قصد عرضه و خودنمایی در کار نباشد . دستور کلی اخلاقی که در انتهای آیه آمده ، مبنی بر ترجیح داشتن رعایت عفاف در هر حالی و در هر سنی ، بیانگر توجه بیشتر شارع به جنبه عرضه و سالم نگه داشتن اجتماع از زمینه های انحراف است .

« و الذین یؤذون المؤمنین و المؤمنات بغیر ما اکتسبوا فقد احتملوا بهتانا و اثمًا مبینًا یا ایها النبی قل لا زواجک و بناتک و نساء المؤمنین یدنین علیهن من جلابیبهن ذلك أدنی أن یعرفن فلا یؤذین و کان الله غفوراً رحیمًا - لئن لم ینته المنافقون و الذین فی قلوبهم مرض و المرجون فی المدینة لخرینک بهم ثم لا یجاورونک فیها الا قلیلاً . »

« آنان که بدون جهت مردان و زنان با ایمان را آزار می رسانند ، بهتان و گناه بزرگی مرتکب می شوند . ای پیامبر به همسران و دخترانت

و به زنان مؤمنین بگو که روسری های خویش را به خود نزدیک سازند (خود را با آنها بپوشانند). این کار برای اینکه شناخته شوند و مورد اذیت قرار نگیرند بهتر است و خدا آمرزنده و مهربان است. اگر منافقان و بیمار دلان و کسانی که در شهر نگرانی ایجاد می کنند از کارهای خود دست برندارند، ما تو را علیه آنان خواهیم برانگیخت؛ آنگاه فقط مدت کمی در مجاورت تو خواهند زیست.»

این آیات به خوبی صحنه ی بازار جرم و انحراف را تصویر می نماید. ظاهراً چنان که برخی مفسرین گفته اند، گروهی از منافقین و افراد منحرف در اوایل شب که هوا تازه تاریک می شد، در کوچه ها و معابر مزاحم زنان (اکثراً کنیزان) می شدند. برای مقابله با این پدیده دو راهکار در پیش روی جامعه قرار داده شده است که هر یک در جای خود اهمیت دارد:

- رعایت حجاب در خارج از منزل؛ زیرا از این طریق زنان نجیب و عفیف یعنی کسانی که قصد عرضه خود را ندارند، شناخته می شوند و بیمار دلان از اینکه چشم طمع به آنان ببندند و آنان را مورد اذیت قرار دهند، چشم می پوشند.

- برخورد فیزیکی و کاربرد زور و اجبار علیه افراد خاطی و منحرف؛ خداوند در این آیه، افراد مزاحم و بیمار دل را به حمله و حرکت شدید پیامبر (ص) علیه آنان و حتی تبعید از جامعه پاک اسلامی تهدید می کند.

نکته مهم دیگر در این باب، مقدم داشتن راهکار فرهنگی است که کانون آن را کنترل بزه دیدگان احتمالی و آماج های جرم و انحراف بر رفتار خود و محافظت آنان از خود در برابر افراد آماده ارتکاب انحراف و جرم تشکیل می دهد. این تقدم در ذکر راهکارها در آیه شریفه، هر چند تقدم زمانی استفاده از راهکار اولی بر راهکار دوم را نمی رساند، ولی می تواند بیانگر تأکید و اهمیت بیشتر در نظر شارع مقدس باشد.

۲) گفتار

«یا نساء النبی لستن کاحد من النساء إن اتقینن فلا تخضعن بالقول فیطمع الذی فی قبله مرض و قلن قولاً معروفاً ای زنان پیغمبر، شما اگر پرهیزکار باشید، همچون سایر زنان نیستید؛ مواظب باشید که در سخن، نرمش زنانه و شهوت آلود به کار نبرید که موجب طمع بیمار دلان گردد؛ به خوبی و شایستگی سخن بگویید.»

خودداری از سخن گفتن به شیوه تحرک آمیز، شاخصه ی دیگر حجاب است. در این آیه با صرف نظر از اینکه روی سخن با زنان پیامبر (ص) است، به خوبی نشان داده شده مردانی که احتمال انحراف در آن ها وجود دارد، آنچه در نزد آنان است، آمادگی درونی و تقاضا است، اما طرف دیگر قضیه این است که در عرصه اجتماع آنچه مایه ی گسترش این بیماری و خارج شدن از حالت درونی و باطنی به حالتی بیرونی و عملی می شود، عرضه نشود تا از این طریق زن ها در امنیت قرار بگیرند و بتوانند آزادانه در اجتماع حضور پیدا کنند.

بخشی از آیه ۵۳ همین سوره، نیز همین مضمون را با بیانی دیگر تأکید و تقویت می کند؛ آنجا که خداوند به مسلمانان توصیه می کند که اگر از زنان پیامبر (ص) درخواستی دارند، خواسته خود را از پشت حجاب و پرده ای و بدون داخل شدن در منزل مطرح کنند: «وَ إِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَاسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ»؛ سپس به علت این توصیه اشاره می فرماید: «این برای پاکیزگی دل شما و دل آنان (زنان

پیامبر (بهتر است **ذلک اطهر لقلوبکم و قلوبهن**) از مقدم داشتن « لقلوبکم » یعنی دل شما مردان ، بر « قلوبهن » یعنی دل زنان پیامبر (ص) ، شاید بتوان استنباط کرد که آمادگی برای انحراف قلبی که مقدمه انحراف عملی است ، از راه شنیدن صدای جنس مخالف ، در مردان بیشتر و قوی تر است لذا خداوند تکلیف بیشتری را متوجه زنان کرده و آنان را به پوشاندن خود از دیدگان نامحرمان و محافظت خود از طریق حفظ حریم در رفتار و سخن واداشته است .

۳) رفتار

« قل للمؤمنات یغضضن من ابصارهن . و به زنان مؤمن بگو که چشمان خویش را ببندند . »

« و قرن فی بیوتکن ولا تبرج الجاهلیة الاولى . » و در خانه های خویش قرار گیرید و مانند دوران جاهلیت نخستین ، به خودنمایی و خودآرایی از خانه خارج نشوید . « این آیه نیز چنان که از سیاق آن پیداست ، بر روی خارج شدن زنان پیامبر (ص) از منزل ، همراه با عرضه خود به نامحرمان ، حساسیت به خرج داده است . البته مقصود از آن حبس کردن زنان ایشان در منزل نیست ، چرا که تاریخ اسلام گواه آن است که سیره معمول پیامبر (ص) بر چنین رفتاری استوار نبوده است و نیز فقط حفظ پوشش مراد نیست ، بلکه خودنمایی در تمام صور و شیوه هایش ، اعم از نوع نگاه و رفتار مورد نظر است .

در مجموع ، آنچه از ملاحظه چند آیه شریفه مذکور به دست می آید ، این است که در تمام این آیات ، بیش از همه بر حفاظت زنان از خود در پوشش ، رفتار ، سخن و ... ، و تأثیر آن در پیشگیری از وقوع انحراف در مرحله عمل (و حتی در مرحله نیت و خطورات ذهنی) تأکید شده و فقط در یکی از این آیات به راهکار کنترل از طریق اعمال زور و سیاست های بازدارنده راهنمایی شده است . همین امر به ما نشان می دهد که در یک جامعه اسلامی ، برابر تعالیم دینی و نتایج تحقیقات جدید علمی ، در امر کنترل انحرافات اجتماعی و اخلاقی در روابط زن و مرد ، نقطه تأکید باید بر مقاوم سازی بزه دیدگان (زنان) در برابر افراد آماده ی جرم و انحراف و کنترل عرضه در برابر افراد متقاضی ، از طریق کار فرهنگی سنجیده و بلند مدت در زمینه ترویج معنای صحیح حجاب صورت گیرد .

پی نوشت فصل :

مظهری ، مرتضی : « مسأله حجاب » ، انتشارات صدرا ، تهران ، سال ۱۳۶۶ .

سلیمی ، علی ؛ داوری ، محمد : « جامعه شناسی کجروی » ، کتاب اول ، پژوهشکده حوزه دانشگاه ، قم ، ۱۳۸۰ .

لیتل ، دانیل : « تبیین در علوم اجتماعی » ، عبدالکریم سروش ، مؤسسه فرهنگی صراط ، ج اول ، ۱۳۷۳ .

فصل سوم

پوشش بانوان و چرایی آن
رابطه مجاب و پوشش اسلامی
ضرورت پوشش اسلامی در قرآن
چه نوع پوششی توصیه شده است؟
چرا پوشش ضرورت دارد؟

پوشش بانوان و چرایی آن

لباس پوشیدن سابقه‌ای به اندازه حیات انسان دارد و جز پیروان یکی از مکاتب فکری که بر لزوم برهنه زیستی پای می‌فشارند، (۱) همه ی افراد به نوعی آن را تجربه می‌کنند. این پدیده، به رغم ارتباطش با خصوصیات مختلف فردی و اجتماعی انسان، دست کم به سه نیاز وی پاسخ می‌دهد:

۱. حفاظت در سرما و گرما و برف و باران (۲)

۲. حفظ عفت و شرم (۳)

۳. آراستگی، زیبایی و وقار (۴)

در این فصل به بررسی معنای حجاب اسلامی و دلایل‌های ضرورت آن می‌پردازیم.

رابطه حجاب و پوشش اسلامی

« حجاب » به معنای پرده، حاجب، پوشیدن و پنهان کردن و منع از وصول است. (۵) این واژه تنها به معنای پوشش ظاهری یا پوشاندن زن نیست و در اصل به مفهوم پنهان کردن زن از دید مرد بیگانه است. بدین سبب، هر پوششی حجاب نیست. حجاب پوششی است که از طریق پشت پرده واقع شدن تحقق یابد. ولی بر خلاف تصور عموم و نیز آنچه مشهور است، آیه ی حجاب (۶) در قرآن « و اذا سالتموهن متاعا فسلوهن من وراء حجاب... » (۷) چون از زنان پیغمبر (ص) متاعی خواستید، از پس پرده بخواهید». درباره زنان آن حضرت و بیشتر تر به منظور مسائل سیاسی و اجتماعی فرود آمده است (۸) نه پوشش زن در مقابل نامحرم. به کارگیری کلمه « حجاب » (۹) در خصوص پوشش زن اصطلاحی نسبتاً جدید است و همین سبب گردیده بسیاری گمان کنند اسلام خواسته است زن همیشه پشت پرده و در خانه محبوس باشد و بیرون نرود (۱۰) یا مثل « ویل دورانت » { *Wiel Dorante* } بگویند: « این امر خود مبنای پرده پوشی در میان مسلمانان به شمار می‌رود » (۱۱) و یا مدعی شوند حجاب به وسیله ایرانیان به مسلمانان و اعراب سرایت کرده است. در حالی که آیات مربوط به حجاب (پوشش اسلامی زنان در مقابل نامحرم) قبل از مسلمان شدن ایرانیان نازل شده است. در عهد جاهلیت نیز - همان طور که ویل دورانت می‌گوید (۱۲) و کتب تفسیر شیعه و سنی (۱۳) تایید می‌کند - اعراب چنین پوششی نداشتند و عادتشان تبرج و خودنمایی بود که اسلام آن را ممنوع ساخت: « ولا تبرجن تبرج الجاهلیة الاولى. » (۱۴)

آنچه از قدیم به ویژه نزد فقها در بحث نماز (کتاب الصلوة) و ازدواج (کتاب النکاح) رواج داشته، واژه « ستر » و « ساتر » به معنای پوشش و وسیله پوشش زن در مقابل نامحرم بوده است. بنابراین، وظیفه پوشش اسلامی بانوان به معنای حبس و زندانی کردن و قرار دادن آنان پشت پرده و در نتیجه عدم مشارکت این گروه عظیم در فعالیت‌های اجتماعی نیست. این وظیفه بدان معنا است که زن در معاشرت با مردان بدنش را بیپوشاند و به جلوه‌گری و خودنمایی نپردازد و مشارکتش در فعالیت‌ها بر اصول انسانی و اسلامی استوار باشد. (۱۵)

ضرورت پوشش اسلامي در قرآن

پوشش اسلامي از احکام ضروري اسلام (۱۶) است و هيچ مسلماني نمي تواند در آن ترديد کند . زيرا هم قرآن مجيد به آن تصريح کرده است و هم روايات بسيار بر وجوب آن گواهي مي دهند . به همين جهت ، فقيهان شيعه و سني به اتفاق به آن فتوا داده اند . (۱۷) همان طور که نماز و روزه به دوراني خاص اختصاص ندارد ، دستور پوشش نيز چنين است و ادعای عصري بودن آن بي دليل و غير کارشناسانه مي نمايد .

خداوند متعال در آيه ۳۰ سوره نور نخست به مردان مسلمان و سپس در آيه بعد به زنان مسلمان فرمان مي دهد از چشم چراني اجتناب کنند و در رعايت پوشش بدن از نامحرمان کوشا باشند :

« قل للمؤمنين يغضوا من ابصارهم ويحفظوا فروجهم ذلك ازكي لهم ان الله خبير بما يصنعون . »

[اي پيامبر] به مردان مؤمن بگو ديدهگان خود فرو خوابانند و عفت پيشه ساخته ، دامن خود را از نگاه نامحرمان پيوشانند . اين کار براي پاكي و پاکيزگي شان بهتر است و خداوند بدانچه مي کنند ، آگاه است .»

و راغب اصفهاني در مفردات (۱۸) گفته اند - به معنای « کاستن » است و « غض بصر » يعني کاهش دادن نگاه نه بستن چشم . البته متعلق اين فعل و اين که از چه چيز چشمان خود را فرو بندند ، ذکر نشده است . اما با توجه به سياق آيات ، به ويژه آيه بعد ، روشن مي گردد مقصود آن است که خيره خيره زنان نامحرم را تماشا نکنند و از چشم چراني (۱۹) پرهيزند . از سوي ديگر ، ممکن است مقصود از « حفظ فرج » در اين آيه پاکدامني و حفظ آن از آلودگي به زنا و فحشا باشد . ولي عقیده مفسران اوليه اسلام و نيز مفاد روايات از جمله سخن امام صادق (ع) (۲۰) اين است که مراد از « حفظ فرج » در همه آيات قرآن کریم پاکدامني و حفظ آن از آلودگي به فحشا است ؛ جز در اين دو آيه که به معنای حفظ از نظر و وجوب پوشش در مقابل نامحرم است . آنگاه خداوند متعال فلسفه اين آموزه را نظافت و پاكي روح مي داند و بر خلاف اهل جاهليت قديم و جديد - مانند « برتراند راسل » { *Berturand Raseel* } که اين ممنوعيت را يک نوع محروميت و اخلاق بي منطق و به اصطلاح « تابو » (تحريم هاي ترس آور رايج در ميان ملل وحشي) مي داند - مي گويد : اين پوشش به منظور طهارت روح بشر از اينکه پيوسته در باره مسائل مربوط به اسافل اعضا بينديشد ، (۲۱) واجب شده است . سپس در آيه بعد مي فرمايد :

« و قل للمؤمنات يغضضن من ابصارهن ويحفظن فروجهن و لا يبدين زينتهن الا ما ظهر منها وليضربن بخمرهن علي جيوبهن و لا يبدين زينتهن الا لبعولتهن او آبائهن او آباء بعولتهن او ابنائهن او ابناء بعولتهن او اخوانهن او بني اخوانهن او بنى اخواتهن او نساوتهن او ما ملكت ايماهن او التابعين غير اولي الاربه من الرجال او الطفل الذين لم يظهروا علي عورات النساء و لا يضرين بارجلهن ليعلم ما يخفين من زينتهن و توبوا الي الله جميعا ايها المؤمنون لعلكم تفلحون . »

[اي پيامبر] به زنان مؤمن بگو ديدهگان خود فرو خوابانند و عفت پيشه ساخته ، دامن خود را از نگاه بيگانگان پيوشانند و زيور خویش را جز براي شوهران و ساير محارم آشکار نکنند ، مگر آنچه پيدا است ؛ و روسري هاي خویش را به گريبانها اندازند تا سر و گردن و سينه و گوشها پوشيده باشد و پاهاشان را به زمين نکوبند تا آنچه از زينت پنهان مي کنند ، معلوم شود . اي بندگان مؤمن ، همه به سوي

خدا توبه کنید تا رستگار شوید» .

در این آیه خداوند تعالی ، در خصوص پوشش بانوان ، آنچه را بر مردان مؤمن لازم است ، به دو شکل گسترش می دهد :

۱. پوشیدگی سر و گردن

۲. پوشاندن زینتها

« خمر » جمع « خمار » و به معنای روسری و سرپوش (۲۲) است . « جیوب » از واژه « جیب » به معنای قلب و سینه و گریبان است .

(۲۳) در تفسیر مجمع البیان چنین می خوانیم : زنان مدینه اطراف روسری های خود را به پشت سر می انداختند و سینه و گردن و

گوش های آنان آشکار می شد . بر اساس این آیه ، موظف شدند اطراف روسری خود را به گریبانها بیندازند تا این مواضع نیز مستور

باشد . (۲۴) فخر رازی یاد آور می شود : خداوند متعال با به کارگرفتن واژه های « ضرب » و « علی » که مبالغه در القا را می رساند ،

در پی بیان لزوم پوشش کامل این نواحی است . (۲۵) ابن عباس در تفسیر این جمله می گوید : « یعنی زن مو و سینه و دور گردن و زیر

گلوئی خود را بپوشاند » . (۲۶)

برخی ادعا می کنند ، حجاب به معنای مقابله با برهنگی را قبول داریم ، ولی در هیچ جای قرآن از پوشش مو سخن به میان نیامده است ، نا

درستی این سخن آشکار می نماید . زیرا ، با چشم پوشی از گفتار ابن عباس و نیز شان نزول آیه ، این واقعیت که زنان مسلمان حتی قبل از

نزول این آیه موهای خود را می پوشاندند و آشکار بودن گردن و گوش و زیر گلو و گردنشان تنها مشکل به شمار می آمد ، تردید ناپذیر

است . در آیه از روسری سخن به میان آمده است ، باید پرسید : آیا روسری جز آنچه بر سر می افکنند و موها را می پوشانند ، معنایی

دارد . افزون بر این ، حکم میزان پوشش در روایات متعدد وارد شده است . (۲۷) اگر قرار باشد مانند برخی از صحابه یا گروهی

روشن فکر مآبان جدید فقط به قرآن اکتفا کنیم ، در کشف جزئیات ضروری ترین احکام مانند رکعات نماز نیز ناکام می مانیم .

در خصوص « زینت » پرسشی مهم مطرح است . آیا مفهوم آن واژه « زیور » فارسی (زینت های جدا از بدن مانند جواهرات) را نیز در

بر می گیرد یا تنها آرایش های متصل به بدن ، مانند سرمه و خضاب ، را شامل می شود ؟ (۲۸) در پاسخ باید گفت : حکم کلی آن است که

خود آرایی جایز و خودنمایی در مقابل نامحرم ممنوع است .

آرایش امری فطری و طبیعی است (۲۹) و حس زیبایی دوستی سرچشمه پیدایش انواع هنرها در زندگی بشر شمرده می شود . این

گرایش طبیعی ، افزون بر آن که آثار مثبت روانی در دیگران پدید می آورد ، به تحقق آثار گرانبهای روانی در شخص آراسته نیز

می انجامد . آراستن خود و پرهیز از آشفتگی و پریشانی در نظام فکری و ذوق سلیم انسان ریشه دارد . پرهیز از خود آرایی نه دلیل

وارستگی از قید نفس است و نه علامت بی اعتنایی به دنیا . وضع ژولیده و آشفته و عدم مراعات تمیزی و نظافت ظاهری ، خود به خود

شخصت افراد را در نگاه دیگران خوار می سازد و زبان طعن و توهین دشمن را می گشاید . (۳۰) بر این اساس ، پوشیدن جامه زیبا ،

بهره گیری از مسواک و شانه ، روغن زدن به مو و گیسوان ، معطر بودن ، انگشتر فاخر به دست کردن و سرانجام آراستن خویش هنگام

عبادت و معاشرت با مردم از مستحبات مؤکد و برنامه های روزانه مسلمانان است . (۳۱) حضرت امام حسن مجتبی (ع) بهترین جامه های

خود را در نماز می پوشید و در پاسخ کسانی که سبب این کار را می پرسیدند ، می فرمود : « ان الله جمیل و یحب الجمال فاتجمل لربی .

خداوند زیبا است و زیبایی را دوست دارد . پس خود را برای پروردگرم زیبا می‌سازم .» (۳۲)

بنابراین ، خداوند زینت و خودآرایی را نهی نمی‌کند . آنچه در شرع مقدس ممنوع شده است ، تبرج و خودنمایی و تحریک و تهییج به وسیله آشکار ساختن زینت در محافل اجتماعی است . چنان که می‌فرماید : « **ولا تبرجن تبرج الجاهلیة الاولى** .» (۳۳) و نیز می‌فرماید : « **ولا یضربن بارجلهن لیعلم ما یخفین من زینتهن** .» (۳۴)

این آیه زنان عرب را که معمولاً خلخال به پا می‌کردند و برای این که بفهمانند خلخال گرانها دارند ، پای خود را محکم به زمین می‌کوفتند ، از این کار نهی می‌کند . فقیه بزرگوار علامه مطهری می‌گوید : « از این دستور می‌توان فهمید هر چیزی که موجب جلب توجه مردان می‌گردد ، مانند استعمال عطرهای تند و همچنین آرایش‌های جالب نظر در چهره ، ممنوع است . به طور کلی زن در معاشرت ، نباید کاری بکند که موجب تحریک و تهییج و جلب توجه مردان نامحرم گردد .» (۳۵)

در آیه ۳۱ سوره نور می‌فرماید : « **ولا یدین زینتهن الا ما ظهر منها** » . زینت‌های زن دو گونه است : یک نوع زینتی که مانند لباس و سرمه و انگشتر و دست‌بند آشکار است و پوشانیدن آن واجب نیست . و نوع دیگر زینتی که پنهان است مگر آن که عمداً بخواهد آن را آشکار سازد ؛ مانند گوشوار و گردن بند . پوشانیدن این نوع زینت واجب است . البته استثناهایی دارد که بعداً بیان خواهد شد . (۳۶) قرآن کریم ، با همین معیار ، در خصوص پوشش بانوان سالمند و از کار افتاده که امید زناشویی ندارند ، سهل‌گیری کرده ، به آن‌ها اجازه داده است و سری‌ها را برگیرند . (۳۷) ولی در عین حال آن‌ها نیز اجازه خودنمایی و تهییج ندارند :

« **والتواعد من النساء اللاتی لایرجون نکاحا فلیس علیهن جناح ان یضعن ثیابهن غیر متبرجات بزینة** » . (۳۸)

آیات دیگری که با صراحت کامل دستور پوشش اسلامی و فلسفه آن را بیان می‌کنند ، چنین است :

« **یا ایها النبی قل لاوزاجک و بناتک و نساء المؤمنین یدین علیهن من جلابیبهن ذلک ادنی ان یعرفن فلا یؤذین و کان الله غفوراً رحیماً** » . ای پیامبر ، به زنان و دخترانت و به زنان مؤمنان بگو : پوشش‌های (روسری و چادر) خود را بر خود فروتر گیرند . این برای آن که شناخته گردند و اذیت نشوند ، [به احتیاط] نزدیک‌تر است ؛ و خدا آمرزنده و مهربان است . (۳۹)

با این حال ، ممکن است گروهی از ارازل و اوباش به هتک حیثیت زنان مؤمن ادامه دهند . در این صورت ، حاکم اسلامی وظیفه دارد با شدت تمام با این افراد بیمار دل برخورد کند . بنابراین ، مساله حفظ پوشش و عدم مزاحمت برای بانوان تنها یک توصیه اخلاقی نیست و حکمی اسلامی و حکومتی به شمار می‌آید :

« **لئن لم ینته المناقون و الذین فی قلوبهم مرض و المرجفون فی المدینة لنگرینک بهم ثم لایجاورونک فیها الا قلیلاً × ملعونین اینما تقفوا اخذوا و قتلوا تقتیلاً** . اگر منافقان و بیمار دلان و کسانی که در شهر نگرانی به وجود می‌آورند ، از کارهای خود دست برندارند ، ما تو را علیه آن‌ها بر خواهیم انگیخت و تو را سخت بر آنان مسلط می‌کنیم تا جز مدتی اندک در همسایگی تو زندگی نکنند . از رحمت خدا دور گردیدند و هر کجا یافت شوند دستگیر و به سختی گشته خواهند شد .» (۴۰)

در این آیات ، سه مطلب مهم قابل توجه می‌نماید :

۱- « **جلباب** » چیست و نزدیک کردن آن یعنی چه ؟

۲- فلسفه پوشش اسلامی

۳- مجازات افراد مزاحم (۴۱)

چه نوع پوششی توصیه شده است؟

در مفهوم جلباب اختلاف نظر وجود دارد. آنچه، با توجه به کتب لغت (۴۲) و گفتار مفسران شیعه مانند علامه طباطبایی (۴۳) و فیض کاشانی (۴۴) و اهل سنت مانند قرطبی (۴۵) صحیح‌تر به نظر می‌رسد، آن است که «جلباب» ملحفه و پوششی چادر مانند است نه روسری و خمار. از ابن عباس و ابن مسعود روایت شده که منظور عبا است. پس جلباب لباس گشاد و پارچه‌ای است که همه بدن را می‌پوشاند. ضمناً همان طور که مفسران بزرگ مانند شیخ طوسی و طبرسی فرموده‌اند، در گذشته دو نوع روسری برای زنان معمول بود: روسری‌های کوچک که آن‌ها را «خمار» یا «مقنعه» می‌نامیدند و معمولاً در خانه از آن استفاده می‌کردند؛ و روسری‌های بزرگ که مخصوص بیرون خانه به شمار می‌آمد. زنان با این روسری بزرگ که جلباب خوانده می‌شد و از «مقنعه» بزرگ‌تر و از «رداء» کوچک‌تر است و به چادر امروزی شباهت دارد، مو و تمام بدن خود را می‌پوشاندند. (۴۶)

نزدیک ساختن جلباب - «یدنین علیهن من جلابیهن» - کنایه از پوشیدن چهره و سر و گردن با آن است. (۴۷) یعنی چنان نباشد که چادر یا روپوش‌های بزرگ (مانتو) تنها جنبه تشریفاتی و رسمی داشته باشد و همه بیکرشان را نپوشاند. زنان حق ندارند چنان چادر بپوشند که نشان دهد اهل پرهیز از معاشرت با مردان بیگانه نیستند. از نگاه چشم‌های نامحرم نمی‌پرهیزند و از مصادیق «کاسیات عاریات» (۴۸) شمرده می‌شوند. قرآن فرمان می‌دهد: بانوان با مراقبت جامه‌شان را بر خود گیرند و آن را رها نکنند تا نشان دهد اهل عفاف و حفظ به شمار می‌آیند. تعلیل پایانی آیه نیز بیانگر همین امر است، یعنی آن پوششی مطلوب است که خود به خود دورباش ایجاد می‌کند و ناپاک‌دلان را نومید می‌سازد. (۴۹)

چرا پوشش ضرورت دارد؟

خداوند متعال درباره علت ضرورت پوشش اسلامی می‌فرماید: «ذلک ادنی ان یعرفن فلا یؤذین.» «برخی این آیه را چنین معنا کرده‌اند: «بدین وسیله شناخته می‌شوند آزادند نه کنیز، پس با آزار و تعقیب جوانان رو به رو نمی‌شوند. بنابراین، در عصر حاضر که مساله بردگی از میان گرفته، این حکم نیز منتفی می‌شود. ولی باید گفت: (۵۰) ایجاد مزاحمت و آزار کنیزان نیز روا نیست. حقیقت آن است که وقتی زن پوشیده و با وقار از خانه بیرون رود و جانب عفاف و پاک دامنی را رعایت کند، فاسدان و مزاحمان جرات هتک حیثیت او را در خود نمی‌یابند. بیمار دلانی که در پی شکار می‌گردند، فرد دارای حریم را شکاری مناسب نمی‌بینند. در روایات آمده است: «المراة ریحانه. (۵۱) زن همچون ریحانه یا شاخه گلی ظریف است.» بی‌تردید اگر باغبان او را پاس ندارد، از دید دست گلچین مصون نمی‌ماند. قرآن کریم، زنان ایده آل را که در بهشت جای دارند، به مروارید محجوب و پوشیده در صدف تشبیه می‌کند: «کامثال اللؤلؤ المکنون.» (۵۲) افزون بر این، گاه آن‌ها را به جواهرات اصیلی چون یاقوت و مرجان که جواهر فروشان در پوششی ویژه قرار

می دهند تا همچون جواهرات بدلی به آسانی در دسترس این و آن قرار نگیرند و ارزش و قدرشان کاستی نپذیرد، (۵۳) بر این اساس، مرحوم علامه طباطبایی (۵۴) همین تفسیر را بر می گزیند. استاد شهید مطهری در این باره می فرماید: « حرکات و سکنات انسان گاهی زبان دار است. گاهی وضع لباس، راه رفتن، سخن گفتن زن معنا دار است و به زبان بی زبانی می گوید: دلت را به من بده، در آرزوی من باش، مرا تعقیب کن. گاهی بر عکس، با زبان بی زبانی می گوید: دست تعرض از این حریم کوتاه است. » (۵۵)

پی نوشت فصل:

۱. انسانیت از دیدگاه اسلامی، مصطفوی، ص ۱۲۹.
۲. نحل (۵۶): ۸۰.
۳. سوره نور (۵۷): ۳۱ و ۳۰ و ۵۹؛ احزاب (۵۸): ۵۹ و ۶۰.
۴. سوره اعراف (۵۹): ۲۶.
۵. ر. ک: المفردات فی غرائب القرآن، راغب اصفهانی و قاموس قرآن، سید علی اکبر قرشی.
۶. در اصطلاح تاریخ و حدیث اسلامی، هر جا نام آیه حجاب آمده است مقصود این است نه آیات سوره نور که در خصوص پوشش اسلامی است.
۷. احزاب (۶۰): ۵۳.
۸. مساله حجاب، مرتضی مطهری، ص ۷۴.
۹. واژه حجاب هفت بار در قرآن کریم به کار رفته است. ولی هرگز به معنای حجاب اسلامی مصطلح نیست.
۱۰. مساله حجاب، ص ۷۳.
۱۱. تاریخ تمدن، ویل دورانت، مترجمان احمد آرام (و دیگران)، ج ۱، ص ۴۳۳ و ۴۳۴.
۱۲. مساله حجاب، ص ۲۲.
۱۳. ر. ک: تفاسیر مجمع البیان (طبرسی) و کشاف (زمخشری) ذیل آیات ۳۳ احزاب و ۶۰ نور.
۱۴. سوره احزاب (۶۱): ۳۳.
۱۵. مساله حجاب، ص ۷۳. نیز ر. ک: تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص ۴۰۱-۴۰۳.
۱۶. اصل قانون حجاب اسلامی، صرفا از ضروریات فقه نیست، بلکه از ضروریات دین مبین است؛ چه این که نص صریح قرآن بر آن گواهی می دهد و تنها ظهور آیات قرآن دلیل بر آن نیست تا جای اختلاف برداشت و محل تردید باشد.
۱۷. مجمع البیان فی تفسیر القرآن، طبرسی، ج ۷-۸، ص ۲۱۶.
۱۸. المفردات فی غریب القرآن؛ راغب اصفهانی، ص ۳۶۱.

۱۹. مساله حجاب، ص ۱۲۵-۱۲۸.
۲۰. تفسیر مجمع البیان، ص ۲۱۶ و ۲۱۷.
۲۱. مساله حجاب، ص ۱۲۹.
۲۲. المفردات فی غرائب القرآن، ص ۱۵۹، مجمع البیان، ص ۲۱۷.
۲۳. مجمع البیان، ص ۲۱۷.
۲۴. همان.
۲۵. التفسیر الکبیر، ج ۲۳، ص ۱۷۹.
۲۶. مجمع البیان، ص ۲۱۷. (قال ابن عباس: تفتی شعرها و صدرها و ترائبها و سوائفها).
۲۷. ر. ک: تفسیر الصافی، فیض کاشانی، ج ۳، ص ۴۳۰ و ۴۳۱.
۲۸. مساله حجاب، ص ۱۳۱.
۲۹. علامه طباطبائی (ره) در تفسیر آیه ۳۲ سوره اعراف می‌فرماید: خدای متعال در این آیه زینت‌هایی را معرفی می‌کند که برای بندگان ایجاد و آنان را فطرتا به وجود آن زینتها و استعمال و استفاده از آنها ملهم کرده است؛ و روشن است که فطرت جز به چیزهایی که وجود و بقای انسان نیازمند آن است، الهام نمی‌کند. (ر. ک: المیزان، ج ۸، ص ۷۹)
۳۰. آیین بهزیستی در اسلام، احمد صبور اردوبادی، ج ۱ (جنس پوشاک)، ص ۵۷.
۳۱. حلیة المتقین، محمدباقر مجلسی، ص ۳-۵ و ۱۰-۱۲ و ۹۱-۱۰۷.
۳۲. مجمع البیان، ج ۴-۳، ص ۶۷۳.
۳۳. سوره احزاب (۶۲): ۳۳.
۳۴. سوره نور (۶۳): ۳۱.
۳۵. مساله حجاب، ص ۱۴۶-۱۴۷.
۳۶. ر. ک: تفسیر الصافی، ج ۳، ص ۴۳۰ و ۴۳۱.
۳۷. وسایل الشیعه، حر عاملی، ج ۱۴، ص ۱۴۰.
۳۸. سوره نور (۶۴): ۶۰.
۳۹. سوره احزاب (۶۵): ۵۹.
۴۰. سوره احزاب (۶۶): ۶۰ و ۶۱.
۴۱. مجازات این گونه افراد از نظر اسلام بسیار شدید است و بعد از ارشاد و امر به معروف و نهی از منکر، چنانچه این بیمار دلان از عمل زشت خویش دست‌بردارند، باید از جامعه اسلامی تبعید شوند. (مساله حجاب، ص ۱۶۴) و در صورت استمرار، در ردیف محاربان با حکومت اسلامی جای می‌گیرند و به حکم قرآن اعدام می‌گردند. (المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۸، ص ۳۶۱ و ۳۶۲)

۴۲. ر. ک: مساله حجاب، ص ۱۵۸ و ۱۵۹. قاموس قرآن، قرشی، ج ۲، ص ۴۱ و ۴۲. (این کتابها کلمات اهل لغت را ذکر کرده‌اند. مانند تعبیر به « الجلباب : القميص او الثوب الواسع » یا « الجلباب ثوب اوسع من الخمار دون الرداء تغطي به المرأة راسها و صدرها)
۴۳. الميزان في تفسير القرآن، ج ۱۶، ص ۳۶۱. (هو ثوب تشتمل به المرأة فيغطي جميع بدنها)
۴۴. تفسير الصافي، فيض كاشاني، ج ۴، ص ۲۰۳ .
۴۵. الجامع لاحكام القرآن، قرطبي، ج ۱۴ . ص ۱۵۶ .
۴۶. درباره جلباب گفته‌اند : آن روسری خاصی که بانوان هنگامی که برای کاری به خارج از منزل می‌روند، سر و روی خود را با آن می‌پوشند. « الجلباب خمار المرأة الذي يغطي راسها و وجهها اذا خرجت لحاجة » (التبيان في تفسير القرآن، طوسي ج ۸، ص ۳۶۱ . مجمع البيان، ج ۸-۷، ص ۵۷۸).
۴۷. مجمع البيان، ص ۵۸۰. الميزان، ج ۱۶، ص ۳۶۱ .
۴۸. زنانی که ظاهرا پوشیده هستند ولی در واقع برهنه‌اند، روی عن رسول الله (ص) : صنفان من اهل النار لم ارهما قوم معهم سياط كأذناب البقر يضربون بها الناس و نساء كاسيات عاريات، مميلات مائلات، رؤسهن كاسنمة البخت المائلة....» (ميزان الحكمة، ری شهری، ج ۲، ص ۲۵۹)
۴۹. مساله حجاب، ص ۱۶۰ و ۱۶۱ .
۵۰. آسیب‌شناسی حجاب، ص ۱۹ .
۵۱. وسائل الشيعة، ج ۱۴، ص ۱۲۰ .
۵۲. سوره واقعه (۶۷): ۲۳ .
۵۳. گستره عفاف به گسترده‌گی زندگی، حمیده عامری، کتاب زنان، شورای فرهنگی اجتماعی زنان، ش ۱۲، ص ۱۱۷ .
۵۴. الميزان، ج ۸، ص ۳۶۱ .
۵۵. مساله حجاب، ص ۱۶۳ .

فصل چهارم

تاریخچه اجمالی مجاب و مجاب زدائی
منشأ مرگت‌های بی‌مجابی و بدمجابی
رابطه ی مجاب در شکل پادر ، با دین و
تاریخ ملی

تاریخچه اجامی حجاب و حجاب زدایی

علل شکست حرکت های کشف حجاب

چرا حرکت های گسترده ی کشف حجاب و حجاب زدایی ، از سوی عوامل وابسته به استعمارگران ، در بعضی کشورهای اسلامی ، مثل افغانستان ، ترکیه ، ایران و ... با شکست مواجه شده است ؟ حداقل سه علت مهم برای شکست حرکت های حجاب زدایی در کشورهای اسلامی می توان ذکر کرد :

الف) فطری بودن حجاب

ب) دینی بودن حجاب

ج) آگاهی زنان و دختران از فواید حجاب

الف) فطری بودن حجاب

به نظر می رسد که عامل اصلی گرایش انسان ها ، مخصوصاً زنان ، به حجاب و پوشش ، تأمین یک نیاز فطری و درونی به نام حیا و شرم است .

شرم ، یکی از صفات مخصوص انسان است ؛ و انسان تنها حیوانی است که اصرار دارد ، دست کم ، بعضی از اندام های خود را بپوشاند . پروفیسور اسوالد شوارتز { *Esvaldi Shuwartez* } ، طبیب و روان شناس اتریشی ، در کتاب روان شناسی جنسی درباره ی احساس شرم در انسان ها می نویسد :

« علاوه بر مردم شناسی ، تجزیه و تحلیل روان شناسی نیز ثابت می کند که احساس شرم ، یکی از صفات عمده ی نوع بشر است . هیچ قبیله ی اولیه ای ، هر قدر هم بدوی بوده باشد ، شناخته نشده است که از خود ، شرم بروز ندهد و بچه های کوچک نیز شرم دارند . در طی دوران رشد بشر و هم چنین در خلال رشد افراد ، بر وسعت موضوعاتی که مورد حمایت شرم قرار می گیرند افزوده می شود . حمایت ، وظیفه ی مخصوصی است که به عهده ی شرم گذارده شده است . کاملاً معلوم است که شرم ، قبل از همه چیز از اعضای تناسلی و وظایف آنها حمایت می کند ... ادعای پیشرفت و مدرنیزم خرقه ای بر تن بی خبری از ارزش های اساسی است ؛ و شرم ، نخستین قربانی این گمراهی اخلاقی است ؛ مثلاً نهضت اعتقاد به لختی ، نمونه ی وحشتناکی از این ادعاست . » [۱]

علاوه بر مطالعات مردم شناسی و روان شناسی جنسی ، از مطالعات تاریخی نیز استفاده می شود که انسان در هیچ مقطعی بدون پوشش زندگی نکرده است ؛ [۲] و این مطلب حاکی از وجود شرم و حیای ذاتی انسان است . از آیات مربوط به خلقت حضرت آدم و حوا نیز فطری بودن پوشش و حجاب استفاده می شود . خداوند در قرآن به انسان ها هشدار می دهد که مواظب باشند مبدا همانگونه که فتنه و فریب شیطان باعث برهنگی آدم و حوا گردید ، موجب فریب و برهنگی آنان نیز بشود :

« يَا بَنِي آدَمَ لَا يَفْتِنَنَّكُمُ الشَّيْطَانُ كَمَا أَخْرَجَ أَبَوَيْكُم مِّنَ الْجَنَّةِ يَنْزِعُ عَنْهُمَا لِبَاسَهُمَا لِيُرِيَهُمَا سَوْآتِهِمَا . » [۳]

قرآن همچنین از وسوسه‌ی شیطان برای برهنگی آدم و حوا خبر می‌دهد :

« فَوَسْوَسَ لَهُمَا الشَّيْطَانُ لِيُبْدِيَ لَهُمَا مَا وُورِيَ عَنْهُمَا مِنْ سَوَاتِحِهِمَا . » [۴]

و بالاخره قرآن از کارایی وسوسه‌ی شیطان نسبت به آدم و حوا و خوردن از شجره‌ی ممنوعه و در نتیجه ، آشکار شدن زشتی‌های آدم و حوا و اقدام آن دو به پوشاندن بدن خود با برگ درختان خبر می‌دهد :

« فَذَلَّلَاهُمَا بِغُرُورٍ فَلَمَّا ذَاقَا الشَّجَرَةَ بَدَتْ لَهُمَا سَوَاتِحُهُمَا وَطَفِقَا يَخْضِفَانِ عَلَيْهِمَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ . » [۵]

از تعبیر « يَنْزِعَ عَنْهُمَا لِبَاسَهُمَا » و « لِيُبْدِيَ لَهُمَا مَا وُورِيَ عَنْهُمَا مِنْ سَوَاتِحِهِمَا » در آیات فوق به روشنی استفاده می‌شود که انسان قبل از ارتکاب خطا در بهشت دارای پوشش بوده است ؛ همچنین از تعبیر « طَفِقَا يَخْضِفَانِ عَلَيْهِمَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ » نیز استفاده می‌شود که به دلیل بر خورداری آدم و حوا از حیا و شرم فطری ، پس از برهنه شدن ، فوراً بدن خود را با برگ درختان پوشاندند .

البته ، علاوه بر عامل فطری که در پیدایش اصل پوشش دخالت اساسی داشته است ، عوامل دیگری ، مثل محفوظ ماندن بدن از سرما و گرما ، گرایش به تجمل و زیبایی ، شرایط محیطی ، جغرافیایی ، قومی و ... که قبلاً به آنها اشاره شد در پیدایش تعدد و تنوع و مدل‌های مختلف پوشش مؤثر بوده‌اند .

ب) دینی بودن حجاب

حجاب یکی از احکام مسلم دین اسلام است که اصل آن از ضروریات می‌باشد و آیات و روایات فراوانی بر آن دلالت دارد که به بعضی از آنها اشاره خواهد شد ؛ بنابراین ، به دلیل شدت وضوح دینی و شرعی بودن حجاب و پوشش ، نیازی به بحث درباره‌ی آن نیست . [۶]

همین دینی بودن حجاب باعث شده تا در تاریخ مبارزه با حرکت‌های حجاب‌زدایی ، روحانیت و عالمان دینی ، در صف نخست این گونه مبارزات قرار داشته باشند . در قضیه‌ی کشف حجاب به وسیله‌ی رضاخان ، عالمان دینی و حوزه‌های علمیه ، به دو صورت علمی و عملی با آن مبارزه نمودند . مواجهه‌ی علمی عالمان دینی در نگارش مقالات ، رساله‌ها و کتاب‌های علمی در تبیین حجاب و فلسفه و فواید آن تبلور یافت . مواجهه‌ی عملی عالمان دینی در تحمل زندان‌ها ، شکنجه‌ها و تبعیدها تحقق یافت که یکی از نقطه‌های اوج آن ، قصه‌ی غم‌انگیز مسجد گوهرشاد مشهد مقدس است . [۷]

ج) آگاهی زنان و دختران از فواید حجاب

بدون تردید ، بین آگاهی و اعتقاد بیشتر و عمیق‌تر زنان نسبت به فواید حجاب و پوشش ، و رعایت بیشتر حجاب توسط آنها ، رابطه‌ی مستقیمی وجود دارد که نمونه‌ی بارز آن را در حجاب فاطمه‌ی زهرا (س) و دیگر زنان اهل بیت (ع) و اصرار آنان بر حفظ حجاب در شرایط سخت اسارت و اعتراض‌های افشاگرانه‌ی آنها در مقابل هتاکی‌های مخالفان اهل بیت (ع) می‌توان مشاهده نمود . [۸]

نقش آگاهی زنان نسبت به فواید و فلسفه‌ی حجاب ، در مقابله با نقشه‌های حجاب‌زدایی استعمارگران در مبارزه‌ی مردم الجزایر با دولت استعمارگر فرانسه [۹] و همچنین مقاومت دانشجویان دختر محجبه در مقابل مقررات ضد حجاب حکومت لائیک ترکیه نیز ، قابل توجه است .

جلوه‌ی دیگر تأثیر آگاهی زنان بر علیه بی‌حجابی، قیام زنان آگاه ایرانی در مقابل کشف حجاب رضا خان است. امام خمینی (ره) در این باره فرموده اند:

« زن های ایرانی هم قیام کردند بر ضدش و تودهنی به او زدند که ما نمی خواهیم این طور چیزی (کشف حجاب) را. » [۱۰]

البته مقاومت زنان آگاه و عفیف ایرانی در مقابل نقشه‌های استعمارگران، حتی قبل از واقعه‌ی کشف حجاب رضاخان نیز سابقه داشته است. یکی از نویسندگان ایالت متحده در تمجید از ایستادگی زنان با حجاب ایرانی در مقابل استعمارگران نوشته است: « درود و عزت بی‌حد، به زنان روسته‌ی ایران باد. وی به عزم ثابت سیصد زن شجاع اشاره می‌کند که با چادر سیاه و نقاب سفید، در حالی که بسیاری از آنان در زیر لباس طپانچه داشتند، به مجلس رفتند تا نمایندگان از تسلیم کشور به بیگانگان احتراز نمایند. به اعتراف این نویسنده‌ی آمریکایی، آن بانوان شجاع اعلام داشتند که اگر وکلای مجلس بخواهند در حفظ شرف و عزت ایران تسامح به خرج دهند و یا تردید نمایند، هم آنان و هم شوهران و فرزندان خویش را خواهند کشت، تا لااقل اجسادشان گواهی بر شرف ایرانی باشد. » [۱۱]

یکی از نویسندگان داخلی نیز در باره‌ی رابطه‌ی حجاب و آگاهی زنان و نقش آن در خنثی کردن توطئه‌های استعمار غربی می‌نویسد:

« حجاب مال نسل آگاهی است که به پوشش اسلامی بر می‌گردد، این نسلی است که با این پوشش اسلامی می‌خواهد به استعمار غربی و به فرهنگ اروپایی بگوید: پنجاه سال کلک زدی، کار کردی، نقشه کشیدی که مرا فرنگی مآب کنی، من با این لباس به تو می‌گویم نه، و به تمام پنجاه سال کارت فاتحه می‌خوانم. » [۱۲]

منشأ حرکتهای بی‌حجابی و بدحجابی

با توجه به ریشه‌های فطری حجاب و پوشش، منشأ بعضی حرکتهای بدحجابی و بی‌حجابی در تاریخ کشورهای اسلامی چیست؟ در این مجال با دو مبحث کلی به آن می‌پردازیم:

اولاً:

فطری بودن یک مقوله، مانع تأثیرگذاری حرکتهای تبلیغی، به نفع یا بر ضرر آن نیست؛ مثلاً دین یک مقوله‌ی فطری است، ولی در طول تاریخ، حرکتهای تبلیغی انبیا (ع) به نفع دین، باعث تحکیم و گسترش آن بوده و برعکس، حرکتهای تبلیغی مخالفان انبیا، مثل شیاطین جن و انس شبهه‌افکن باعث تضعیف و آسیب‌پذیری آن گردیده است. همین مطلب، در مورد حجاب و پوشش به عنوان یک مقوله‌ی فطری نیز صادق است. همان‌گونه که تبلیغ و تبیین صحیح فلسفه‌ی حجاب در گسترش و تعمیق آن نقش دارد، در مقابل شبهه‌پراکنی‌ها و سم‌پاشی‌ها و تبلیغ منفی مخالفان نیز در آسیب‌پذیری فرهنگ حجاب و پوشش در جوامع اسلامی تأثیر مهمی دارد. قراین و شواهد مختلف حاکی از این است که یکی از ترفندهای مهم استعمارگران برای نفوذ در کشورهای اسلامی، ترویج بی‌بندوباری از طریق گسترش بدحجابی و بی‌حجابی است؛ و این واقعیتی است که مستر همفر { *Mr Hamtour* } جاسوس استعمار پیر انگلیس، در خاطرات خود به طور صریح به آن اعتراف نموده است:

« در مسئله‌ی بی‌حجابی زنان، باید کوشش فوق‌العاده‌ای به عمل آوریم، تا زنان مسلمان به بی‌حجابی و رها کردن چادر، مشتاق شوند ...

پس از آن که حجاب زن، با تبلیغات وسیع از میان رفت، وظیفه‌ی مأموران ما این است که جوانان را به عشق‌بازی و روابط نامشروع با زنان تشویق کنند؛ و بدین وسیله، فساد را در جوامع اسلامی گسترش دهند. لازم است زنان غیر مسلمان، کاملاً بدون حجاب ظاهر شوند، تا زنان مسلمان از آنان تقلید کنند». [۱۳]

فرانتس فانون { *Ferantes Fanoon* } درباره‌ی نقش حجاب‌زدایی دولت استعمارگر فرانسه در کشور اسلامی الجزایر می‌گوید:

« اولین اقدام ضد فرهنگی که فرانسه در الجزایر صورت داد، تلاش برای از بین بردن حجاب بود، و در این کار موفق شد؛ و هر چه بدن زن الجزایری را بیش‌تر عریان کرد، چنگال استعمارگر، بیشتر به حلقوم الجزایری فرو رفت؛ اما مجدداً زن الجزایری شخصیت خود را بازیافت و مبارزه علیه مطامع استعمار نیز آغاز گردید ». [۱۴]

همین نویسنده، در کلام دیگری، درباره‌ی نقش بی‌حجابی در تشدید حمله‌ی استعمارگر فرانسه به الجزایر گفته است:

« هر چادری که دور انداخته می‌شود، افق جدیدی را که تا آن هنگام بر استعمارگر ممنوع بود، در برابر او می‌گشاید و بدن الجزایری را که عریان شده است، تماماً به او نشان می‌دهد. پس از دیدن هر چهره‌ی بی‌حجابی، امیدهای حمله‌ور شدن اشغالگر ده برابر می‌گردد ». [۱۵]

علاوه بر نقش استعمار در حجاب‌زدایی از کشورهای اسلامی الجزایر، حجاب‌زدایی در کشورهای اسلامی افغانستان توسط امان‌الله خان، ترکیه توسط آتاتورک و ایران توسط پهلوی اول و دوم، داستان مفصل و غم‌انگیزی دارد که پرداختن به آن، نوشته‌ی مستقلی را می‌طلبد. اما از آن‌جا که مخاطب ما بیش‌تر زنان و دختران فرهیخته و عقیف ایرانی هستند که با آثار فکری و قلمی مواجه‌اند، مناسب است به نقش بعضی روشن‌فکران و مطبوعات وابسته، در همفکری و همکاری با حجاب‌زدایی استعمار در قضیه‌ی کشف حجاب اشاره نمایم.

یحیی دولت‌آبادی پس از اشاره به وقایع عصر خود می‌نویسد:

« اینک در تهران کانون بانوان تأسیس شده و زن‌های روگشوده با مردان معاشرت می‌نمایند؛ و روزبه‌روز دایره‌ی رفع حجاب در تهران و ولایات وسعت می‌گیرد؛ پس سد حجاب را در ایران شکسته باید دانست ». [۱۶]

روزنامه‌ی آزادی چاپ خراسان، در سر مقاله‌اش در تاریخ ۲۸ تیر ماه ۱۳۱۴ به ستایش از کشف حجاب پرداخته و روی کار آمدن رضا خان را به ظهور کوب در خشان در آسمان ایران تعبیر نموده است. [۱۷]

امام خمینی (ره) معمار بزرگ انقلاب اسلامی ایران، به عنوان شاهده‌ی امین و صادق که خود ناظر اوضاع آن زمان بوده است، نقش بعضی مطبوعات و روشن‌فکران وابسته را در کشف حجاب چنین توصیف کرده است:

« قلم‌های مسموم خطاکار و گفتار گویندگان بی‌فرهنگ، در این نیم قرن سیاه اسارت‌بار عصر ننگین پهلوی، زن را به منزله‌ی کالایی خواستند در آورند و آنان را که آسیب‌پذیر بودند به مراکز کشیدند که قلم را یارای آن نیست. هر کس بخواهد شمه‌ای از آن جنایات مطلع شود، به روزنامه‌ها و مجله‌ها و شعرهای اوباش و اراذل زمان رضا خان، از روزگار تباه کشف حجاب الزامی به بعد، مراجعه کند و از مجالس و محافل و مراکز فساد آن زمان سراغ بگیرد. رویشان سیاه، و شکسته باد قلم‌های روشن‌فکرانه‌ی آنان؛ و گمان نشود که آن جنایات، با اسم آزاد زنان و با اسم آزاد مردان، بدون نقشه‌ی جهان‌خواران و جنایتکاران بین‌المللی بود ». [۱۸]

ثانیاً :

اثرپذیری زنان و دختران مسلمان از تبلیغ‌های کشورهای استعماری و تقلید بدون منطق زنان از مدل‌های پوشش غربی نیز در این زمینه نقش مؤثری داشته است . مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (حفظه الله تعالی) در این مورد فرموده‌اند :

« عده‌ای از چادر فرار می‌کنند به خاطر اینکه هجوم تبلیغاتی غرب دامن‌گیرشان نشود ؛ اما به آن حجاب واقعی بدون چادر هم رو نمی‌آورند ، چون آن را هم غرب مورد تهاجم قرار می‌دهد . تصور نکنید اگر ما فوراً چادر را کنار گذاشتیم دست از سر ما بر می‌دارند ؛ آنها به این چیزها قانع نیستند ، بلکه می‌خواهند همان فرهنگ منحوس خودشان در اینجا ، مثل زمان شاه که زن اصلاً حجاب و پوشش نداشت عمل شود » . [۱۹]

یکی از دانشمندان اسلامی نیز در این مورد گفته است :

« مشکل بسیاری از زنان شرق این است که آنان در عین حال که همچنان به ارزش‌های اخلاقی ، عفت و شرافت معتقدند ، از آداب و رسوم و سنت‌های غربی در مسئله‌ی بی‌حجابی و خودآرایی تقلید می‌کنند و این امر آنان را در حالت دوگانگی قرار می‌دهد » . [۲۰]

رابطه ی حجاب در شکل چادر ، با دین و تاریخ ملی

شبهه : بعضی در دینی و مذهبی بودن حجاب در شکل چادر شبهه نموده و این گونه ادعا کرده‌اند که « چادر به احتمال خیلی زیاد از زمان قاجاریه در ایران جا افتاده است و هیچ ارتباطی به دین و مذهب ندارد » . [۲۱] در شبهه ی فوق دو ادعا مطرح شده است که به طور مستقل طرح و پاسخ داده می‌شود .

ادعای اول : چادر ، حجاب دینی و مذهبی نیست .

پاسخ :

اولاً ، دقت و پژوهش در آیه‌ی ۵۹ سوره‌ی احزاب ، صحت ادعای مذکور را مورد تردید جدی قرار می‌دهد . خداوند در این آیه خطاب به پیامبرش فرموده است :

« يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأَزْوَاجِكُمْ وَبَنَاتِكُمْ وَنِسَاءَ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ آدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا » ؛
« ای پیغمبر ، به زنان و دختران خود و زنان مؤمنان بگو که خویشان را با چادر خود فرو پوشند ، که این کار برای این که آنها به عفت و حریت شناخته شوند تا از تعرض و جسارت هوسرانان آزار نکشند ؛ بر آنان بسیار بهتر است و خدا در حق خلق آمرزنده و مهربان است » .

« جلابیب » جمع « جلباب » است و جلباب در کتاب‌های لغت معتبر ، مثل لسان العرب ، صحاح اللغة و معجم الوسیط ، به « ملحفه » معنا شده است و ملحفه پوششی گسترده است که زن خود را در آن می‌پیچد . [۲۲] قبل از بررسی معنا و مفهوم جلباب ، باید دید چادر رایج در

بین زنان مسلمان و ایرانی چه نوع پوششی است و عناصر و مؤلفه‌های اصلی تشکیل‌دهنده آن چیست ؟ با اندک تأملی می‌توان گفت چادر دارای دو مؤلفه‌ی اصلی ذیل است :

۱. اندازه‌ی چادر: پوشش وسیع، که از بالای سر تا پایین پای زن را می‌پوشاند .

۲. کارکرد چادر: پوششی جلوباز که از بالای سر ، روی لباس‌های دیگر پوشیده می‌شود و به نحو خاصی کنترل و جمع و جور می‌گردد.

حال باید بررسی نمود آیا جلباب قرآنی که در بعضی تفاسیر از آن به ملحفه تعبیر شده است [۲۳] دو عنصر ذکر شده برای چادرهای رایج فعلی را دارد یا نه؟ اگر دو عنصر یاد شده را بتوان برای جلباب اثبات نمود ، می‌توان ادعا کرد که جلباب قرآنی همانند چادرهای رایج فعلی بوده است و گرنه نمی‌توان چنین ادعایی کرد ؛ از این رو ، به بررسی دو مؤلفه‌ی اندازه و کارکرد جلباب می‌پردازیم :

الف) اندازه‌ی جلباب :

تقریباً همه‌ی کتاب‌های لغت در این که جلباب پوششی وسیع است اتفاق نظر دارند، ولی دیدگاه‌های کتاب‌های لغت و تفسیر درباره‌ی اندازه‌ی دقیق جلباب متفاوت است . از مجموع کلمات لغویین و مفسرین در مورد اندازه‌ی جلباب، سه دیدگاه قابل اشاره است :

دیدگاه اول : جلباب پوششی فراگیر بوده که از بالای سر تا پایین پا را می‌پوشانده است این دیدگاه از کتاب‌های لغوی و تفسیری فراوان استفاده می‌گردد . [۲۴]

دیدگاه دوم : جلباب پوششی بزرگ‌تر از خمار (مقنعه) بوده که کمتر از مقدار ردا ، یعنی تقریباً تا زانوها را می‌پوشانده است . این دیدگاه از بعضی از کتاب‌های لغت ، مثل مصباح المنیر فیومی استفاده می‌شود . [۲۵]

دیدگاه سوم : جلباب همان خمار (مقنعه) است ؛ پوششی که فقط سر و سینه‌ها را می‌پوشانده است . این دیدگاه از مفردات راغب اصفهانی به دست می‌آید . [۲۶]

ما معتقدیم شواهد مختلفی وجود دارد که صحت دیدگاه اول و مخدوش بودن دیدگاه دوم و سوم را ثابت می‌کند که بعضی از آنها عبارت‌اند از:

شاهد اول : درباره‌ی پوشش حضرت فاطمه‌ی زهرا (س) هنگام خروج از منزل و رفتن به مسجد برای دفاع از فدک این گونه نقل شده است : « **لائت خمارها علی رأسها و اشتملت بجلبابها .** » [۲۷] یعنی فاطمه‌ی زهرا (س) خمار و مقنعه‌ی خویش را بر سر و جلباب ، یعنی پوششی که شامل و در بر گیرنده‌ی تمام آن وجود مبارک بود بر تن کردند . از نحوه‌ی پوشش حضرت در قضیه‌ی مذکور دو نکته استفاده می‌شود :

۱) پوشش حضرت در بیرون منزل ، همان دو پوشش قرآنی مستقل از یکدیگر به نام « خمار » و « جلباب » بوده است ؛ بر این اساس ، نظر طرفداران دیدگاه سوم ، مثل راغب اصفهانی در مفردات که جلباب را به خمار معنی کرده است ، مخدوش می‌گردد .

۲) از عبارت « و اشتملت بجلبابها » ، به روشنی استفاده می‌شود که جلباب ، پوششی سرتاسری بوده که تمام آن وجود

مبارک ، از سر تا قدمها را فرامی گرفته است ؛ بنابراین ، نظر طرفداران دیدگاه دوم ؛ که قایل بودند جلباب تقریباً تا زانوها را می پوشانده است ، مخدوش می گردد .

شاهد دوم : از کتابهای لغوی ، مثل مصباح المنیر فیومی که گفته اند : « **الجلباب ثوب اوسع من الخمار** ؛ جلباب پوششی گسترده تر از خمار است » ، تباین و مستقل بودن « خمار » و « جلباب » به خوبی استفاده می شود .

شاهد سوم : احادیثی هم چون حدیث نبوی (ص) « **و لغير ذی محرم اربعة اثواب : درع و خمار و جلباب و ازار** » [۲۸] که از جلباب و خمار به عنوان دو پوشش مستقل نام برده است نیز ، شاهد بطلان دیدگاه سوم است .

شاهد چهارم : زمخشری در تفسیر کشاف و آلوسی در تفسیر روح المعانی از ابن عباس ، صحابی پیامبر اکرم (ص) و شاگرد امام علی (ع) نقل کرده اند که جلباب پوششی بوده که از بالا تا پایین بدن را می پوشانده است ؛ [۲۹] که با این شاهد بطلان دیدگاه دوم اثبات می شود . حاصل این که اندازه ی جلباب قرآنی به مقداری بوده است که همانند چادرهای زمان حاضر از بالای سر تا پایین پا را می پوشانده است .

ب) کارکرد جلباب :

برای فهمیدن کارکرد جلباب و کیفیت پوششی آن ، لازم است معنای « ادناء » در آیه ی « **يُدْنِينَ عَلَيْنَهُنَّ مِنَ الْجَلَابِيهِنَّ** » معلوم شود . آلوسی از ابن عباس و قتاده و زمخشری در تفسیر کشاف از ابن سیرین نقل کرده اند که مراد از « یدنین » قرار دادن جلباب در بالای ابرو و گردن و جمع و جور کردن و قرار دادن گوشه های جمع شده ی آن در بالای بینی است ، [۳۰] که معمولاً بانوان متدین و حساس نسبت به رعایت حجاب در مواجهه با نامحرم این کار را انجام می دهند . از عبارت ابن عباس ، قتاده و ابن سیرین معلوم می شود که جلباب همانند چادرهای فعلی ، پوششی جلو باز بوده است که واژه ی « یدنین » در آیه ی شریفه نیز مؤید این مدعاست ؛ بنابراین ، از نظر کارکرد و کیفیت پوشش نیز جلباب قرآنی ، شبیه چادرهای امروزی بوده است .

به رغم این که بحث بر سر الفاظ و نام گذاری نیست و مهم این است که حقیقت و مصداقی از پوشش ، شبیه چادرهای فعلی ، در صدر اسلام موجود بوده است ، ولی با این همه ، خوشبختانه در کتابهای واژه های قرآنی و کتابهایی که درباره ی جلباب بحث نموده اند ، جلباب به چادر معنا شده است و این مؤید بسیار خوبی است بر این که آنها نیز به دلیل اشتراک مؤلفه ها و عناصر جلباب و چادر ، همانند ما ، از جلباب قرآنی معنای چادر را فهمیده اند . [۳۱]

ثانیاً ، گذشته از آنچه که برای اثبات مشابهت معنای چادر و جلباب گفته شد ، چگونه ممکن است که مراجع تقلید ، به عنوان بزرگترین رهبران دینی اسلام در زمان غیبت ، چادر را پوشش مطلوب و بهتر معرفی کنند ، [۳۲] ولی در عین حال ، گوینده ی محترم بدون ارائه ی هیچ دلیل و مدرکی ، ادعا نماید که چادر هیچ ارتباطی به دین و مذهب ندارد؟! حاصل اینکه ، با توجه به مشابهت بسیار نزدیک جلباب قرآنی با چادر ، از نظر اندازه و کارکرد ، می توان ادعا کرد که چادر ارتباط وثیقی با دین اسلام و قرآن دارد ؛ و بدین ترتیب ادعای اول که چادر ارتباطی با دین و مذهب ندارد ابطال می گردد .

ادعای دوم : حجاب در شکل و قالب چادر مربوط به زمان قاجاریه است .

پاسخ :

اولاً: این ادعا ، نیازمند ارائه سند و مدارک معتبر تاریخی است ، اما ایشان سند و مدرکی برای کلام خود ارائه نکرده اند ؛ بنابراین ، کلام ایشان مدعایی بدون دلیل و مدرک و در نتیجه ، فاقد ارزش و اعتبار علمی است .
ثانیاً: فرض می کنیم ایشان با ارائه سند و مدارک تاریخی اثبات می کردند که چادر در زمان قاجار در ایران رسم شده است ، پس از اثبات ارتباط مستحکم چادر با قرآن در نقد ادعای اول و این که به هر حال ، چادریکی از مصادیق پوششی است که تأمین کننده حجاب بیشتر و بهتر زنان و لذا مطلوب اسلام نیز هست ، زنان ایرانی به خاطر استفاده از چادر به عنوان الگوی پوشش مناسب در مواجهه با نامحرم به خود می بالند ، نه اینکه از آن گلایه مند باشند .

ثالثاً: بر اساس شهادت و گواهی منابع حجاب و لباس ، اسناد و مدارک تاریخی زیر مبین آن است که پیشینه تاریخی که حجاب در شکل چادر ، به صدها سال قبل از پیدایش قاجار در ایران بر می گردد .

الف) در زمان ایران باستان به تصاویری از بانوان ایرانی بر می خوریم که علاوه بر لباس ، بدن خود را با چادری که شبیه به چادر زن امروز ایران است می پوشاندند ؛ [۲۳]

ب) زنان عهد هخامنشی و اشکانی ، عموماً چادر بر سر داشته و پیراهن های بلندی که تا میچ پای آنان را می پوشانده به تن می کرده اند . [۲۴]

ج) زنان عهد ساسانی ، گاهی چادر گشاد و پُرچین به سر می کردند که تا وسط ساق پا می رسیده است . نقوشی از بانوان ساسانی در بشقاب های تفره ساخته شده است که در آن هر یک از بانوان ، چادری به خود پیچیده دارند . [۲۵]
 به این ترتیب ، ادعای دوم گوینده می محترم نیز ابطال گردید و آشکار شد که حجاب در شکل چادر ، علاوه بر ریشه می عمیق دینی ، دارای ریشه می عمیق تاریخی و ملی نیز هست و صدها سال قبل از پیدایش قاجار از آن استفاده می شده است .

پی نوشت فصل :

[۱] . به نقل از غلامعلی حداد عادل ، فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگي ، ص ۶۸ .

[۲] . برای آگاهی بیشتر ر.ک : روت ترنر ویل کاکس ، تاریخ لباس ، ترجمه می شیرین بزرگمهر ؛ سیدمهدی قانع ، « انسان ، پوشش و ریشه های تاریخی » ، مجله می پیام زن ، شماره های ۱۸ ، ۱۹ و ۲۰

[۳] . سوره می اعراف (۷) ، آیه می ۲۷ .

[۴] . سوره می اعراف (۷) ، آیه می ۲۰ .

[۵]. سوره‌ی اعراف (۷)، آیه‌ی ۲۲ .

[۶]. به رغم اینکه دینی و شرعی بودن حجاب از واضحات است، برخی در دینی بودن آن شبهه کرده‌اند. برای مطالعه‌ی بیشتر در باره‌ی شبهه‌ی مذکور و پاسخ آن ر.ک: مهدی مهریزی، «حجاب»، ص ۱۹-۲۷ .

[۷]. برای آشنایی با قصه‌ی کشف حجاب و مبارزه‌ی علمی و عملی علمای دینی با کشف حجاب رضا خان ر.ک: مؤسسه‌ی فرهنگی قدر ولایت، حکایت کشف حجاب؛ حمید بصیرت‌منش، علما و رژیم رضاشاه؛ سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، واقعه‌ی کشف حجاب؛ مدیریت پژوهش انتشارات و آموزش، خشونت و فرهنگ، اسناد محرمانه‌ی کشف حجاب؛ مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، تغییر لباس و کشف حجاب به روایت اسناد؛ فاطمه استادملک، حجاب و کشف حجاب در ایران .

[۸]. به کلام حضرت زینب (س) خطاب به یزید توجه کنید:

«امن العدل یا ابن الطلقاء تخذیرک حرایرک و اماتک و سوقک بنات رسول الله (ص) سبایا قد هتکت ستورهن و ابدیت وجوهن»؛

ای پسر آن مردمی که جد من اسیرشان کرد و پس از آن آزادشان فرمود، آیا عادلانه است که تو زنان و کنیزان خود را پشت پرده نشانی و دختران رسول (ص) را اسیر به این سوی و آن سوی کشانی؛ پوشش آنها را بدری، روی آنان را بگشایی؟! شیخ عباس قمی، نفس المهموم، ص ۲۵۴ .

[۹]. محبوبه‌ی پلنگی، «زنان در الجزایر»، پیام زن، شماره‌ی ۵۰-۵۹ .

[۱۰]. امام خمینی، صحیفه‌ی نور، ج ۲، ص ۳۰ .

[۱۱]. غلامرضا گلی زواره، «استعمار و استبداد و هجوم به فرهنگ عفاف و حجاب» پیام زن، ش ۷۰، ص ۱۵، به نقل از: مورگان شوستر، اختناق ایران، ترجمه‌ی اسماعیل رایین، ص ۲۴۱ .

[۱۲]. علی شریعتی، مجله‌ی زن روز، ش ۱۶۵۹، ص ۷۷ .

[۱۳]. غلامرضا گلی زواره، «استعمار و استبداد و هجوم به فرهنگ عفاف و حجاب»، مجله‌ی پیام زن، ش ۷۰، ص ۱۵، به نقل از: خاطرات همفر، ترجمه‌ی دکتر محسن مؤیدی، ص ۸۴ .

[۱۴]. روح الله حسینیان، حریم عفاف، حجاب و نگاه، ص ۴۸، به نقل از: جنگ الجزایر، (فصل الجزایر بی حجاب).

[۱۵]. مینا هاشمی، «حجاب زیبایی شعار، کارآیی شعور»، سالنامه‌ی زن، بهمن ماه ۱۳۷۱، ص ۳۴، به نقل از فرانتس فانون، سال پنجم انقلاب الجزایر یا بررسی جامعه‌شناسی یک انقلاب، ترجمه‌ی دکتر تابنده، ص ۴۴ .

۲. برای آشنایی با گوشه‌هایی از این داستان غم‌انگیز ر.ک: غلامرضا گلی زواره، «استعمار و استبداد و هجوم به فرهنگ عفاف و حجاب» پیام زن، شماره‌های ۷۰ و ۷۱ .

[۱۶]. حیات یحیی، ج ۴، ص ۴۳۴ .

[۱۷]. گلی زواره، «استعمار و استبداد و هجوم به فرهنگ عفاف و حجاب»، مجله‌ی پیام زن، شماره‌ی ۷۱، ص ۴۱ .

[۱۸]. در جستجوی راه از کلام امام خمینی، دفتر سوم، ص ۳۹ .

[۱۹]. فرهنگ و تهاجم فرهنگي، ص ۲۶۱- ۲۶۲ .

[۲۰]. علامه محمدحسين فضل الله، پيام زن، ش ۷۴، ص ۲۳ .

[۲۱]. فاطمه خاتمی، روزنامه‌ی ايران، شماره‌ی ۱۶۲۷، ۲ مهر ماه ۱۳۷۹، ص ۴.

[۲۲]. الملحفة: بالكسر، هي الملائة التي تلتحف بها المرأة (واللحاف) كل ثوب يتغطى به: فيومي، المصباح المنير، ريشه‌ی لحف.

[۲۳]. به عنوان مثال ر.ک: شيخ طوسي، التبيان في تفسير القرآن، ج ۸، ص ۳۶۱؛ ميرزا محمد مشهدي، كنز الدقائق، ج ۸، ص ۲۲۶ و

فيض كاشاني، تفسير صافي، ج ۴، ص ۲۰۳، ذيل آيه‌ی ۵۹ سوره‌ی احزاب، (آيه‌ی جلايب).

[۲۴]. به عنوان نمونه، ر.ک: شيخ طوسي، تفسير تبيان؛ بيضاوي، تفسير انوار التنزيل و اسرار التأويل و علامه طباطبائي، تفسير

الميزان؛ شيخ محمد جواد مغنیه، تفسير الكاشف، ذيل آيه‌ی جلايب؛ همچنين از ابن عباس، مفسر بزرگ قرآن كريم اين دیدگاه استفاده

می‌شود که در ضمن بررسی اقوال سه گانه خواهد آمد. در کتاب الجدول في اعراب القرآن و صرفه و بيانه، ذيل آيه‌ی ۵۹ سوره‌ی

احزاب (آيه‌ی جلايب) آمده است: « جلايب جمع جلباب اسم جامد للملاءة التي تشتمل بها المرأة قال المبرد: الجلباب ما يستر الكل مثل

اللحفة »؛ همچنين اين دیدگاه از كلام ابن عربي در كتاب احكام القرآن در ذيل آيه‌ی جلباب نيز استفاده می‌شود. علاوه بر كتب تفاسير،

از بعضی کتاب‌هایی که به طور مفصل درباره‌ی احكام زنان بحث کرده‌اند دیدگاه اول صریحاً استفاده می‌شود؛ مثلاً در كتاب المفصل في

احكام المرأة والبيت المسلم في الشريعة الاسلامية، ج ۳، ص ۳۲۲۲ آمده است: انه الملاءة التي تشتمل بها المرأة فتلبسها فوق ثيابها و

تعطى بها جميع بدنها من رأسها الى قدمها و الجلباب بهذا التعريف شبيه العباءة».

[۲۵]. الجلباب: ثوب اوسع من الخمار دون الرداء: فيومي، المصباح المنير، ريشه‌ی جلب .

[۲۶]. الجلايب: القمص و الخمر الواحد الجلباب: راغب اصفهاني، معجم مفردات الفاظ القرآن، ريشه‌ی جلب .

[۲۷]. طبرسي، الاحتجاج، ج ۱، ص ۹۸ .

[۲۸]. طبرسي، مجمع البيان، ج ۷، ص ۱۵۵ .

[۲۹]. عن ابن عباس: الرداء الذي يستر من فوق الى اسفل: زمخشری، تفسير كشاف، و آلوسی، تفسير روح المعاني، ذيل آيه‌ی جلباب

(آيه‌ی ۵۹ سوره‌ی احزاب).

[۳۰]. عن ابن سيرين سألت عبيدة السلماني عن ذلك (يدنين) فقال ان تضع رداءها فوق الحجاب ثم تديره حتى تضعه على انفها. شبيهه تعبیر

مذكور عبارتهای مختلفی در تفسير آلوسی، ذيل آيه‌ی جلباب نقل شده است که نحوه‌ی کارکرد جلباب را بيان می‌کند؛ مثلاً از ابن عباس

و قتاده اين گونه نقل شده است. « تلوی الجلباب فوق الجبينين و تشده ثم تعطفه على الانف و ان ظهرت عينها لكن تستر الصدر و معظم

الوجه».

[۳۱]. ر.ک: لسان التنزيل، تأليف قرن ۴ و ۵، ص ۱۰۳، به اهتمام مهدي محقق؛ تفسير ابوالفتوح رازی، ج ۸، ص ۱۹۱، ذيل آيه‌ی

۵۹ سوره‌ی احزاب؛ ميرزا ابوالحسن شعرانی، نثر طویی، واژه‌ی جلباب؛ عبدالرحيم صفی‌پور، منتهی الارب في لغة العرب، ج ۱، ص

۱۸۶، واژه‌ی جلب؛ ر.پ. آ: دزی، فرهنگ البسه‌ی مسلمانان، ص ۱۱۷ و فياض زنجاني، « رساله‌ی حجابيه»، مجله‌ی كيهان انديشه،

شماره‌ی ۶۰، خرداد و تیرماه، سال ۱۳۷۴، ص ۱۱۲. و نسخه‌ی کهن تفسیر مفردات قرآن، ص ۱۹۰، قسمت مفردات، سوره‌ی احزاب.
[۳۲] . ر. ک: سید مسعود معصومی، احکام روابط زن و مرد و مسائل اجتماعی آنان (مطابق با نظرات آیات و مراجع تقلید) ص ۶۵. و استفتائات آخر کتاب.

[۳۳] . مهدی قانع، «انسان پوشش و ریشه‌های تاریخی» پیام زن، شماره ۱۹، ص ۶۹.

[۳۴] . غلامعلی حداد عادل، فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی، ص ۲۵.

[۳۵] . مهدی مهریزی، حجاب، ص ۴۶.

فصل پنجم

تاملاتی در مسأله مجاب

تاملاتي در مساله حجاب

برخي ضرورت رعایت حجاب را از منظر روان شناسي مطرح کرده و به بحث و ارزیابی آن پرداخته اند و با توجه به نیازهای روحی و روانی انسان، ضرورت رعایت حجاب را برای رشد و ترقی و تمرین تعالی او، معرفی کرده اند (۱).

برخي دیگر حجاب را به عنوان یک امر فطری، تلقی کرده و برای اثبات ادعای خود به شواهدی از اوستا، تلمود، تورات و انجیل تمسک نموده اند. این دسته مدعی هستند که حجاب به عنوان یک اصل مشترک در تمام ادیان، جایگاه خاصی داشته و دارد (۲).

دسته ای دیگر با توجه به فرهنگ مبتذل غرب و رواج برهنگی و آسیب های فراوان و پیامدهای منفی آن « که از این رهگذر متوجه قشر حساس خانم ها شده، آمار و ارقام به خوبی آن را نشان داده و حکایت می کند » به ضرورت رعایت حجاب استدلال کرده و آن را حریم امن برای خانم ها و رشد و سلامت خانواده و اجتماع دیده اند و معرفی کرده اند (۳).

عده ای دیگر حجاب را به عنوان تکلیفی الهی تلقی کرده و در انجام رعایت آن، مثل سایر واجبات الهی، خود و دیگران را ملزم می دانند و در انجام تکلیف و پوشش اسلامی از سرزنش و ملامت ملامتگران و توهین و تحقیر این و آن، افسرده و عصبانی نمی شوند بلکه آن را به عنوان تکلیف الهی که باعث عفاف و پاکدامنی افراد و بهداشت و سلامت خانواده و اجتماع شده و رشد، ترقی و کمال آنان را به همراه دارد با عشق و علاقه رعایت می کنند و رعایت آن را به دیگران نیز توصیه نموده و به انجام آن تشویق و ترغیب می نمایند.

البته طرح و دسته بندی نظریات به معنای مخالفت آنها با یکدیگر نیست به گونه ای که قابل جمع نباشد. بلکه می توان گفت: رعایت حجاب را همه قبول دارند منتهی هر دسته از زاویه ای خاص بر ضرورت آن استدلال کرده اند.

در این میان اگر آیات شریفه قرآن کریم در ارتباط با مقوله حجاب را ارزیابی کنیم متوجه خواهیم شد که مسئله حجاب و پوشش که به عنوان یک پدیده بحث برانگیز و جنجالی در دنیای امروزی مطرح است امر جدید و نو ظهوری نیست که با آمدن دین مبین اسلام، تشریح شده باشد، بلکه اگر نگوئیم این مسئله ریشه در فطرت انسان دارد، لااقل می توان ادعا کرد که همراه با خلقت انسان، حتی قبل از هبوطش در عالم خاکی، مطرح بوده است، هنگامی که آدم ابوالبشر و همسرش حوا، توسط دشمن قسم خورده ای به نام ابلیس، وسوسه شده و به منطقه ممنوعه نزدیک، و از حد و مرز تعیین شده تجاوز می نمایند، یک باره خود را عریان و برهنه احساس می کنند، سرآسیمه این طرف و آن طرف، دنبال پناهگاهی می روند و بالاخره قسمت هایی از بدن خود را با برگ درختان می پوشانند. « هنگامی که از آن درخت، چشیدند، عورت شان نمایان شد و آن دو برای پوشاندن عورت خود، به برگ درخت روی آوردند. » (۴) بنابراین مسئله حجاب، ریشه در تاریخ انسان داشته، همراه و همزاد او از ابتدا تا حال و تا امتداد تاریخ، بوده و خواهد بود.

در این فصل بر آنیم تا اهمیت مسئله حجاب و رعایت پوشش اسلامی را از زاویه دیگری ارزیابی نموده و نکاتی را یادآور شویم. چنانچه در مقدمه ی کتاب ذکر شده است برخی مدعی هستند: رعایت حجاب و پوشش اسلامی، مانع حضور زنان در اجتماع بوده و فعالیت های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی آنان را محدود می سازد. در جواب باید گفت:

اولاً: ادعای ذکر شده، فریب و نیرنگی بیش نیست و این نیرنگ هم از سوی کسانی مطرح می شود که از یک طرف حضور زنان را در مجامع عمومی و خصوصی برای تلذذ، عیاشی و خوشگذرانی می خواهند و از سوی دیگر، به خاطر خصومت و دشمنی که با اسلام و

پیروان آن دارند، برای مخدوش ساختن چهره و حیثیت آن، از هر وسیله و ابزاری استفاده می کنند. از جمله ابزار و وسایلی که برای رسیدن به اهداف شوم و استعماری خود، بهره برداری می کنند این است که ارزش های اسلامی را به عنوان قوانین دست و پاگیر، غیرکارآمد و ارتجاعی، معرفی کرده و به خورد جامعه و مردم می دهند. متن ذیل را که گوینده آن یکی از مزدوران انگلیسی است و قبلاً به آن اشاره شد به عنوان نمونه مرور دوباره می کنیم :

« در مسئله بی حجابی زنان باید کوشش فوق العاده به عمل آوریم تا زنان مسلمان به بی حجابی و رها کردن چادر، مشتاق شوند، باید به استناد شواهد و دلایل تاریخی ثابت کنیم که پوشیدگی زن از دوران بنی عباس، متداول شده و مطلقاً سنت اسلام نیست. مردم همسران پیامبر را بدون حجاب می دیدند و زنان صدر اسلام در تمام شئون زندگی، دوش به دوش مردان فعالیت داشته اند پس از آن که حجاب زن، با تبلیغات وسیعی از میان رفت، وظیفه مأموران ما آن است که جوانان را به عشق بازی و روابط جنسی نامشروع با زنان غیر مسلمان کشانده و زنان کاملاً بدون حجاب ظاهر شوند تا زنان مسلمان از آن تقلید کنند. » (۵)

ثانیاً: اگر به تاریخ اسلام نگاه منصفانه داشته باشیم متوجه خواهیم شد که فراوان بوده اند زنان مؤمن متدین و پاکدامنی که با رعایت حجاب و پوشش اسلامی در کنار مردان مؤمن و مسلمان در صحنه های سیاسی، فرهنگی و حتی نظامی، حضور داشته و فعالیت نموده در شرایط فعلی زنان مسلمان در جاهای مختلف از جمله زنان ایرانی با رعایت حجاب و پوشش اسلامی در کنار سایر اقشار جامعه، در پست ها و مناصب گوناگون، مشغول تلاش و فعالیت هستند، رعایت حجاب را نه تنها مانع فعالیت های اجتماعی خود نمی بینند بلکه آن را به عنوان سد محکم و دژ نفوذ ناپذیری می دانند که گوهر گران سنگ عفاف و حریم حرمت شان را در برابر تیرهای زهر آلود هوسبازان شرور و خدانشناس حفاظت می نماید.

ثالثاً: رعایت حجاب و پوشش اسلامی، نه تنها مانع حضور زنان در صحنه های سیاسی و اجتماعی نمی باشد بلکه بر عکس، تشریح حکم حجاب از سوی شارع مقدس، در حقیقت مجوز حضور زنان در صحنه های اجتماعی به حساب می آید، والا نشستن در منزل و ماندن در کنار اعضای خانواده، رعایت نوع حجاب مورد نظر را نمی خواهد تا درباره آن حکمی صادر شود لذا صدور حکم پوشش اسلامی از سوی شارع مقدس بهترین دلیل بر این مطلب است که دین مبین اسلام نه تنها با فعالیت های اجتماعی و فرهنگی زنان مخالف نیست بلکه خود زمینه ی حضور آنان را در فعالیت های اجتماعی فراهم کرده است.

منتهی شرط حضور در اجتماع و فعالیت های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی به خصوص برای قشر خانم ها، ایجاد امنیت لازم در جامعه خواهد بود و از جمله عوامل بسیار مهم و اساسی که در جهت آرامش و آسایش فرد و خانواده و امنیت در اجتماع، نقش ایفا می کند، داشتن حجب و حیا، رعایت اصول و ارزش های دینی و مذهبی از جمله رعایت حجاب و پوشش اسلامی توسط زنان و مردان مؤمن و متدین خواهد بود. اگر به آیات شریفه قرآن کریم و احادیث معصومین در ارتباط با پوشش اسلامی دقت کرده و اشارت ظریف و لطیف آن، مورد ارزیابی قرارگیرد. این اصل و استنباط به دست خواهد آمد که حجاب، محدودیت نیست؛ بلکه مصونیت است. مصونیتی که

فرآیند و محصول مبارک آن، سلامت، بهداشت و آرامش افراد خانواده ها و امنیت در جامعه خواهد بود.

قرآن کریم، زنان و مردان مؤمن را مورد خطاب قرار داده و به آنان دستور می دهد: « چشم چرانی نکنید، دامن های خود را آلوده نساخته و حفظش کنید » (۶) به زنان تأکید بیشتری نموده می گوید: « حجاب و پوشش اسلامی را رعایت کرده، زینت های خود را آشکار نسازید ... و در نشست و برخاست هم به گونه ای عمل نمائید که متوجه زیورآلات شما نشوند. » (۷) و در صحبت ها و مکالمات روزمره نیز با ناز و کرشمه، صحبت نکرده، ادا و اطوار زنانه که آتش شهوت را شعله ور سازد، از خود نشان ندهند. » (۸) « و مانند زنان نیمه عریان دوران جاهلیت، تبرج نکرده و با خودنمایی و خودآرایی و لباس های نازک و بدن نما (۹) از خانه خارج نشوید. » (۱۰)

همه این دستورات برای آن است که رعایت آن، علاوه بر اسقاط تکلیف و امتثال اوامر الهی، سلامت و بهداشت روحی و روانی و آرامش و امنیت فردی و اجتماعی را به دنبال دارد و تخلف و سرپیچی از آن، یعنی چشم چرانی، آلوده کردن دامن، آشکار ساختن زینت و زیورآلات، صحبت کردن با ناز و کرشمه و لهجه های مخصوص و مهیج و پوشیدن لباس های نازک و بدن نما، هر کدام به نوبه خود، باعث فساد، عیاشی، تجاوزگری و اضطراب و ناامنی می شود و جامعه را به هرج و مرج می کشاند. در احادیث نورانی که از معصومین نقل شده است، نگاه کردن به نامحرم و چشم چرانی، به عنوان تیر زهر آلود شیطانی، معرفی شده است، لذا امام صادق (ع) می فرماید: « نگاه (و چشم چرانی) تیری از تیرهای مسموم شیطان است. » (۱۱) در حدیث دیگری باز هم از امام صادق (ع) می خوانیم « نگاه کردن تیر زهر آلودی از ناحیه شیطان است چه بسیار نگاه هایی که بعدها، حسرت و تأسف طولانی را به دنبال خواهد داشت. » (۱۲) امام علی (ع) نیز می فرماید: « کسی که نگاهی را رها سازد، حسرت و تأسف او زیاد می شود. » (۱۳) در جای دیگری می فرماید: « چه بسیار نگاه هایی که آه و حسرت به دنبال دارد. » (۱۴) و در جملات دیگری آن امام همام می فرماید: « نگاه و چشم چرانی، پیشآهنگ تمام فتنه هاست. » (۱۵) « چشم ها دام های شیطان هستند. » (۱۶) و « چشم راهبر دل است » (۱۷) به قول بابا طاهر عریان:

ز دست دیده و دل هر دو فریاد

هر آنچه دیده بیند دل کند یاد

بسازم خنجری نیشش ز فولاد

زنم بر دیده تا دل گردد آزاد

در واقع، نگاه های آلوده، مسموم و شهوت انگیز، آتش درون را شعله ور می سازد که فرآیند و محصولی جز فحشا، سیاهی دل؛ مشکلات و نارسایی هایی اجتماعی، نخواهد داشت. چشم چرانی دام شیطانی، بذر شهوت و رویشگاه فسق و فجور است که دل را می لرزاند، آرامش و ثبات را سلب نموده و باعث هرج و مرج و فتنه و فساد در جامعه می شود.

لذا چشم چرانی، این تیر مسموم و زهر آلود شیطانی اگر بدون قید و بند، رها شود یقیناً سلامت و امنیت طرفین را به خطر می اندازد، جوان و نوجوانی که به کوچه و خیابان راه می افتد اگر دستور اسلام را رعایت نکرده و نگاهش را کوتاه نکند و از طرف دیگر، کسانی که باید حجاب و پوشش اسلامی را رعایت کنند، رعایت نکنند، چشم جوان به صحنه های شهوت انگیز خواهد افتاد، و نیروی قدرتمند

شهوت به جوشش و غلیان آمده و تحریک خواهد شد ، درچنین شرایط حساس و خطرناکی ، این جوان ، یا باید به عیاشی ، فساد و تجاوزگری روی آورد و به خواسته های قوه شهوانی جواب مثبت دهد ، امنیت خود و دیگران را به خطر اندازد ، و یا با تخیل و تصور ، با حالت افسرده و پریشان ، زندگی بیمار گونه خود را ادامه داده آسایش و آرامش خانواده را برهم زند . آنچه از مجموع آیات ، روایات و تجربیات کارشناسان به دست می آید این است که : چشم چرانی های هوس آلود بدحجابی و بی حجابی زنان و دختران بی بند و بار از جمله عوامل مؤثر در ایجاد اضطراب و نگرانی افراد و خانواده ها و هرج و مرج و ناامنی در جامعه به حساب می آید . در طرف مقابل اگر اصول و ارزش های اسلامی از جمله حجاب و پوشش اسلامی ، رعایت شود از چشم چرانی و نگاه های آلوده جلوگیری به عمل می آید و خانم ها در نشست و برخاست ، صحبت ها و مکالمات روزمره ، دستورات شرع مقدس را رعایت کنند یقیناً زمینه های فساد زدوده شده و دام های شیاطین برچیده خواهد شد ، آرامش روحی و روانی برای افراد و خانواده ها ، نظم ، ثبات و امنیت در جامعه پدید خواهد آمد . امام علی (ع) می فرماید : « کسی که نگاهش را کاهش دهد ، قلبش آرام می گیرد . » (۱۸) و نعمتی بالاتر از آرامش قلب ، وجود ندارد . این موهبت بزرگ اگر در اعضا و افراد جامعه ، محقق شده و تجلی پیدا کند ، جامعه نیز به طبع اعضا و افراد خود ، دارای امنیت و آرامش خواهد شد . در ارتباط با شأن نزول آیات ۳۰ به بعد از سوره نور ، تفاسیر شیعه و سنی نقل کرده اند که :

« روزی در هوای گرم مدینه ، زن جوانی در حالی که روسری خود را به پشت گردن انداخته و دور گردن و بناگوش او ، پیدا بود ، از کوچه ای عبور می کرد ، مرد جوانی از انصار ، آن حالت را مشاهده کرد و چنان غرق تماشا شد که از خود و اطرافش غافل گردید و به دنبال آن زن حرکت نموده تا این که صورتش به شی ای اصابت کرد و مجروح گردید ، هنگامی که به خود آمد ، خدمت پیامبر (ص) رفت و جریان را برای او بیان داشت ، اینجا بود که آیات سوره مبارکه نور نازل گردید (۱۹) .

در آیات شریفه سوره نور ، از یک طرف مؤمنان اعم از زنان و مردان را مخاطب قرار داده دستور می دهد که نگاه های خود را کوتاه ساخته و به نامحرم خیره نشوند و از فساد و آلودگی دوری کنند و از سوی دیگر به خانم ها دستور می دهد پوشش مناسب را رعایت کرده و زیورآلات خود را آشکار نسازند . تا حوادثی نظیر حادثه ای که آیه در ارتباط با آن نازل شده است ، اتفاق نیفتد و جوانان از خود بی خود نشده و دنبال زنان و دختران نامحرم راه نیفتاده ، امنیت و آرامش خود و دیگران را خدشه دار نسازند .

در سوره احزاب نیز در یک جا به خانم ها دستور می دهد :

« در محاورات روزمره حالت عادی داشته و با ناز و کرشمه و طنز صحت نکنید و در کوچه و خیابان با بدن های نیمه عریان و لباس های بدن نما ، ظاهر نشوید . » (۲۰)

چند آیه بعد می فرماید : « با چادر و مقنعه اندام خود را بپوشانید . » (۲۱)

تمام این برنامه و تأکیدها برای آن است که : مردم ، زن ها را به عنوان افراد عفیف و پاکدامن بشناسند و موجبات آزار و اذیت آنان را فراهم نسازند (۲۲) و چشم طمع ندوزند . (۲۳) و در نتیجه امنیت و آرامش قشر خانم ها در سایه چادر و رعایت ضوابط شریعت و پوشش اسلامی ، تأمین شود .

در ادامه قرآن کریم می فرماید :

با این راه و روش، اگر بیمار دلان هوسباز اصلاح نشدند و به آزار و اذیت خانم‌ها ادامه داده و امنیت و آرامش آنان را تهدید کردند. برخورد شدیدتری با آنان صورت خواهد گرفت: «اگر منافقان و بیمار دلان (شهوت پرست) و کسانی که در شهر، اضطراب و نگرانی به وجود می‌آورند از اعمال زشت خود دست برندارند، ترا «ای رسول» علیه ایشان، بسیج خواهیم کرد، در آن صورت، مدت کمی در مجاورت با تو در این شهر زندگی خواهند کرد و نابود خواهند شد.» (۲۴) تا آرامش و امنیت در جامعه تأمین شود.

از مجموع مطالب یاد شده این نتیجه به دست می‌آید که رعایت حجاب و پوشش اسلامی برای زنان و مردان مؤمن و مسلمان، تکلیف الهی است. رعایت آن، علاوه بر این که موجب عمل به دستورات الهی می‌شود، شخصیت فردی اجتماعی و معنوی انسان محبوب و پاکدامن، سیر صعودی پیدا کرده و نردبان تعالی و تکامل را یکی پس از دیگری طی خواهد کرد و از سوی دیگر در تأمین بهداشت روحی و روانی و آرامش خانواده‌ها و صفا، نورانیت و امنیت در جامعه نقش به‌سزایی ایفا می‌کند. به امید روزی که جوامع اسلامی و انسانی از تمام آلودگی‌ها تصفیه شود و زمینه حضور زنان و دختران بدون دغدغه و دلواپسی، در اجتماعات فراهم شود.

پی نوشت فصل:

- ۱- آیا حجاب ضرورت دارد؟، دکتر شهریار روحانی.
- ۲- حجاب در ادیان، علی محمدی، ماهنامه پیام زن شماره‌های ۱۸ و ۱۹ و ۲۰.
- ۳- نگاه پاک زن و نگاه‌های آلوده به او، آیین بهزیستی اسلام، ج ۳، دکتر احمد صبور اردوباری.
- ۴- قرآن کریم، اعراف/ ۲۲
- ۵- قره العین «درآمدی بر تاریخ بی‌حجابی در ایران»، ص ۴۰، سینا واحد، مؤسسه انتشاراتی نور.
- ۶- برداشت آزاد، از آیه ۳۰ و ۳۱ سوره نور ترجمه آزاد
- ۷- قرآن کریم، نور ۳۱
- ۸- قرآن کریم، احزاب ۳۲ ترجمه آزاد
- ۹- محاسن التأویل، ج ۱۳، ص ۳۴۹، محمد جمال‌الدین قاسمی، یکی از معانی تبرج را لباس نازک، ذکر کرده است.
- ۱۰- قرآن کریم، احزاب ۳۳ ترجمه آزاد
- ۱۱- دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۲۰۲
- ۱۲- وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۳۸
- ۱۳- غررالحکم و دررالکلم، ج ۵، ص ۱۹۵
- ۱۴- همان، ج ۴، ص ۵۴۹
- ۱۵- همان، ج ۱، ص ۲۶۲ «الحظ راید الفتن»

۱۶- همان، ج ۱، ص ۳۳۵ «العیون مصائد الشیطان»

۱۷- همان، ج ۱، ص ۱۰۰ «العين برید القلب»

۱۸- غررالحکم و درر الکلم، ج ۵، ص ۴۴۹

۱۹- ر.ک: تفسیر صافی، ج ۳، ص ۴۳۰؛ الدر المنثور، ج ۵، ص ۴۰؛ کافی، ج ۵، ص ۵۲۱.

۲۰- برداشت از آیه ۳۲ و ۳۳ سوره احزاب.

۲۱- قرآن کریم، احزاب / ۵۹: ترجمه آزاد

۲۲- برداشت از آیه ۵۹ سوره احزاب

۲۳- قرآن کریم، احزاب / ۳۲

۲۴- قرآن کریم، احزاب / ۶۰

فصل ششم

تبیینی بر مسئله مجاب
واکاوی مجاب در اسلام
مجاب و فلسفه آن
مجاب و پاسخ به شبهات

تبیین بر مسئله حجاب

در این فصل برای تبیین گوشه هایی از مسئله حجاب ضمن اشاره ای به پیشینه این مسئله در ملل و نحل و سایر ادیان، به سؤالاتی در خصوص فلسفه حجاب پاسخ داده شده است. مهم ترین محورهایی که در این فصل به آن ها پرداخته شده عبارتند از: تأثیر حجاب بر ایجاد امنیت، تحکیم خانواده، و جلوگیری از فحشا. بنابراین، حجاب نه تنها موجب منزوی بودن زن نمی شود، بلکه حضور او را در جامعه راحت تر می سازد.

مقدمه

مسئله حجاب از دیرباز مورد توجه و بحث و بررسی دانشمندان و روشن فکران، چه در شرق و غرب عالم و چه در داخل و خارج از کشور، بوده است. دامنه ی این سخنان و گستره ی عقاید برخاسته از آن، چنان است که گاه گروهی از این اندیشمندان در مقام تحلیل و بررسی، تا آنجا پیش می روند که «حجاب» را شاخصی «محدود» کننده و عامل «تضییع» در زیست فردی و حضور اجتماعی زنان در جامعه اسلامی می دانند و حتی از این رهگذر، خواهان «منع» یا دست کم «اختیاری شدن» آن می شوند و گاه گروهی دیگر، با دفاع نامناسب و ناآگاهانه خود، راه را بر محقق جلوه دادن گروه نخستین هموار می کنند.

به راستی، «حجاب» چیست؟

آیا حجاب محدودکننده ای ذاتی در جامعه است؟

یا عاملی مصونیت بخش است؟ آیا حجاب مخصوص دین اسلام است؟

یا در ملل و اقوام دیگر هم وجود داشته است؟

فصل ششم به صورت تحلیلی - پژوهشی قصد آن دارد تا در جهت پاسخ گویی به پرسش هایی این چنین، همراه با بهره مندی از دیدی منصفانه و بهره گیری از منابع و سرچشمه های اصیل مکتب اسلام، به مسئله «حجاب» در جامعه اسلامی و اقوام و ملل گذشته و فلسفه آن بنگرد تا از این رهگذر، به چشم اندازی درباره وضعیت اجرای این دستور استوار و ارزش مستحکم در جامعه امروزی اسلامی ایران دست یابد.

واکاوی حجاب در اسلام

«حجاب»، این واژه عربی، در نگاهی به معنای پوشیدن، پوشش، پرده و حاجب است که البته در این میان، معنای «پرده» بیشترین کاربرد را دارد و همین امر موجب شده است که عده زیادی گمان کنند که اسلام خواسته است زن همیشه پشت پرده و در خانه محبوس باشد و بیرون نرود.

اندیشمند شهید مرتضی مطهری در این باره می فرماید:

«پوشش زن در اسلام این است که زن در معاشرت خود با مردان، بدن خود را بیوشاند و به جلوه گری و خودنمایی نپردازد. آیات

مربوطه همین معنا را ذکر می کند و فتوای فقها هم مؤید همین مطلب است . حدود این پوشش را با استفاده از قرآن و منابع سنت ، می توان به دست آورد . در آیات مربوطه ، لغت « حجاب » به کار نرفته است . آیاتی که در این باره هست ، چه در سوره ی مبارکه نور و چه در سوره ی مبارکه احزاب ، حدود پوشش و تماس های زن و مرد را ذکر کرده است ، بدون آنکه کلمه « حجاب » را به کار برده باشد .» (۱)

با توجه به چنین سخنانی ، فهرست وار همراه با بیانی کوتاه و سخنی مجمل به توصیف و تبیین « حجاب اسلامی » یا « پوشش اسلامی » در قالب گزاره های ذیل می پردازیم :

حجاب و فلسفه آن

اگر به انسان و ساختار وجودی او ، چه از لحاظ جسمی و چه از نگاه روحی ، بنگریم و از این رهگذر ، نظری به انگیزه های نهفته و امیال گوناگون خفته در سرشت و خمیرمایه ی وجودی او ، که « فطرت » نامیده می شوند ، بیندازیم ، به راحتی درمی یابیم که از جمله نیرومندترین ، بزرگ ترین و برترین نیروهای موجود در او ، غریزه « جنسی » است ؛ میلی نیرومند که اگر در مسیر صحیح و راه درست خویش هدایت نشود ، به سهولت سرچشمه گناهان بزرگ و معاصی نابخشودنی می گردد و پیامدی جز تبدیل زندگی پر نشاط و پویای انسانی به زندگی سراسر فلاکت و تباهی چیزی در بر ندارد .

اندیشمندان و روشن فکران با توجه به چنین نکته ای ، سعی در چاره جویی بنیادین در رویارویی با این غریزه و میل فطری داشته و در این راه ، نظریه های متفاوتی ارائه کرده اند . گروهی همچون مانی ، بودا و تولستوی گفته اند : این میل نهفته و غریزه ذاتی را بکلی باید از بین برد تا انسان و جامعه انسانی از آسیب های آن در امان باشند و گروهی دیگر همچون فروید عکس این مطلب را بیان نموده اند . در کشاکش میان این دو نظر ، که یکی جانب افراط می پیماید و دیگری جانب تفریط ، مکتبی زندگی آفرین همچون اسلام ، که همواره از جایگاه اعتدال و گریز از افراط و تفریط سخن می گوید ، راهکاری میانه و معتدل ارائه کرده است ؛ راهکاری که به رغم گذشت چهارده قرن از پیدایش آن ، هنوز بوی تازگی از آن برمی خیزد . اسلام میل جنسی را به رسمیت می شناسد و حتی آن را پلید نیز نمی داند ، به شرط آنکه به درستی و با شیوه ای مناسب در مسیر انسان ساز خویش به حرکت درآید .

راهکار مکتب اسلام در چنین اندیشه ای و در مقام عمل به آن ، به طور کلی ، در دو راهبرد ذیل خلاصه می شود :

الف) راهبردهای کوتاه مدت و میان مدت همچون ازدواج سهل و آسان در جامعه و ترویج فرهنگ آن در میان افشار گوناگون ، به ویژه جوانان .

ب) راهبردهای بلند مدت و اساسی همچون از بین بردن زمینه های به کارگیری ناسالم این میل در جامعه برپایه دستورات و ارزش هایی مانند : حجاب ، عفاف ، خویشتن داری و پرهیز از اختلاط زنان و مردان .

این دو راهبرد که برگرفته از دستورات صریح و فرمان های روشن پروردگار در قرآن و کلام الهی اند ، ما را در بیان فلسفه ی وجودی و وجوبی حجاب و پوشش ، با نکاتی همچون نکات ذیل مواجه می سازند :

۱. «امنیت» به تمام معنای آن از جمله مسائلی است که در اندیشه اسلامی به آن توجه کافی شده است. «برهنگی» به معنای عدم پوشش و ناپوشیدگی در جامعه یا تضعیف و کم توجهی به آن، پیامدهایی ناگوار همچون آرایش، خودآرایی، و عشوه گری به همراه دارد و مردان، به ویژه جوانان، را در معرض تحریک دایم عصبی و ایجاد التهاب و هیجان دروغین زودگذر قرار می دهد. این بار هیجان و التهاب آنچنان است که گاه فرد را به بیماری روانی مبتلا می کند و از این رو، او را به اعمالی واهی دارد که سرچشمه بسیاری از مفاسد و معاصی دیگر می شود؛ آنچنان که برخی از دانشمندان با توجه به چنین نکته ای بر این اعتقادند که «هیچ حادثه مهمی را پیدا نمی کنید، مگر آنکه پای زنی در میان است.»

۲. نگاهی گذرا به تلاش خانواده ها در جوامع گوناگون و گذری آماری بر دلایل بیشتر «طلاق» ها، این پدیده ی شوم، نکته ای مسلم را به خودنمایی واهی دارد: درهم شکستن حریم خانواده و برهنگی روزافزون در جامعه انسانی، جدایی و از هم گسیختگی خانواده ها و در پی آن، پدیده ای تلخ و جانسوز همچون «فرزندان طلاق» را در پی می آورد؛ زیرا در بازار آزاد برهنگی، زنان به صورت «کالای مشترک»، بسیار دست کم در مراحل غیر آمیزش جنسی به شمار می آیند و دیگر پیوند زناشویی قداست و پاکی خاص خویش را در میان دو نفر، که به یکدیگر تعلق خاطر دارند، ندارد؛ چرا که هر روز مردی در دام زنی دیگر و زنی در دام مردی دیگر فرو می افتد و کانون زندگی او را سست می گرداند.

۳. بسط و گسترش دامنه ی فحشا در جامعه و افزایش شمار فرزندان نامشروع از دیگر دلایل فلسفه ی «وجوبی» حجاب است. نگاهی کوتاه به آمار تولد فرزندان نامشروع در کشور ایالات متحده آمریکا (سال ۱۹۹۹ میلادی) نشانگر آن است که بسیاری از فرزندان تازه تولد یافته نامشروع هستند. اگر صادقانه و با انصاف به شکل گیری چنین روندی نظر اندازیم، مشاهده می کنیم که از جمله بسترسازهای اساسی در وقوع چنین فرآیندی، «برهنگی» و روابط بی حد و حصر میان زنان و مردان است.

۴. هنگامی که برهنگی زن در جامعه به ارزش تبدیل شود، پیامد طبیعی آن افزایش روزافزون آرایش و خودنمایی او در جامعه است. در چنین جامعه ای، زن دیگر از راه علم و آگاهی و دانایی، ارزش نمی یابد، بلکه همچون عروسکی از راه جاذبه جنسی افزون تر به وسیله کسب درآمد گروهی آلوده و فریب کار و دیو صفت تبدیل می شود و کار به جایی می رسد که این اصل در جامعه پای می گیرد که «هر چه جاذبه جنسی افزون تر، ارزش شخصیتی بیشتر!».

حجاب و پاسخ به شبهات

مخالفان پدیده حجاب پرسش هایی مطرح می نمایند؛ همچون مسائل ذیل:

۱. با توجه به اینکه نیمی از جمعیت جامعه را زنان تشکیل می دهند، آیا حجاب سبب انزوای این گروه بزرگ و سبب عقب افتادگی این گروه فعال و در نهایت، تبدیل آنان به نیروی سربار و مصرف کننده در جامعه نمی شود؟

در پاسخ به این پرسش، باید گفت: حجاب و پوشش هیجگاه زن را در جامعه منزوی نمی سازد؛ زیرا حضور امروزی او در جایگاه های گوناگون، نادرستی این سخن را به اثبات می رساند.

۲. حجاب دست و پاگیر است و زن را از فعالیت سازنده بازمی دارد.

اولاً: این پرسش زمانی درست است که منظور از «حجاب» چادر باشد، ولی اگر حجاب به معنای پوشش باشد، که چادر هم نوعی پوشش است، چنین اشکالی پیش نمی آید؛ زیرا اگر به مناطق گوناگون کشورمان بنگریم، غالب زنان روستایی در شالیزارها و دیگر عرصه های کشاورزی، فعالیت های خود را با حفظ حجاب، انجام می دهند و جالب آنکه حتی این کار را در بسیاری اوقات، بهتر و برتر از مردان به انجام می رسانند.

ثانیاً: اگر بپذیریم منظور از حجاب «چادر» است و یا اصلاً حجاب زحمت دارد، چون این اصل برای سلامت و رشد جامعه مفید است، باید آن را تحمل کرد؛ زیرا مگر دانش اندوزی زحمت ندارد؟ مگر راست گویی و دیگر ارزش های اخلاقی برخی از آزادی ها را سلب نمی کنند؟

۳. حجاب طبع حریص مردان را بیشتر تحریک می کند و حرص آنان را شعله ورتر می سازد. آیا این شیوه کارآمد است؟ انسان به چیزی حرص می ورزد که هم از آن منع و هم به سوی آن تحریک شود، اما حجاب و پوشش زن در جامعه چنین نیست، بلکه حجاب از نگاه اسلام، تنها به منزله پوششی است که زن را در برابر تیرهای سهمگین نگاه مرد، که زهر گناه را با خود به همراه دارند، حفظ می کند و به او مصونیت می بخشد.

۴. دلیل معقول و منطقی برای حجاب زنان چیست؟

شهید مطهری رحمه الله می فرماید: «به عقیده ما، ریشه ی پدید آمدن حریم و حایل میان زن و مرد را در میل به ریاضت، یا میل مرد به استثمار زن یا حسادت مرد، یا عدم امنیت اجتماعی برای زن یا عادت زنانگی نباید جست و لااقل، کمتر در اینجا جست و جو کرد. به طور کلی، بحثی است درباره ریشه اخلاق جنسی زن از قبیل حیا و عفاف و از آن جمله است: تمایل به ستر و پوشش خود از مرد. در اینجا، نظریاتی ابراز شده است با دقت ترین آن ها این است که حیا و عفاف و ستر و پوشش تدبیری است که خود زن با یک الهام برای گران بها کردن خود و حفظ موقعیت خود در برابر مرد به کار برده است. زن با هوش فطری و با یک حس مخصوص به خود دریافته است که از نظر جسمی، نمی تواند با مرد برابری کند و اگر بخواهد در میدان زندگی با مرد پنجه نرم کند، از عهده زور بازوی مرد بر نمی آید و از طرف دیگر، نقطه ضعف مرد را در همان نیازی یافته است که خلقت در وجود مرد نهاده است که او را مظهر عشق و طلب و زن را مظهر معشوقیت و مطلوبیت قرار داده است... وقتی که زن مقام و موقع خود را در برابر مرد یافت و نقطه ضعف خود دانست، همان طور که متوسل به زیور و خودآرایی و تجمل شد که از آن راه قلب مرد را تصاحب کند، توسل به دور نگه داشتن خود از دسترس

مرد نیز جست و دانست که نباید خود را رایگان در اختیار گذارد، بلکه بایست آتش عشق و طلب او را تیزتر کند. (۲)

۵. آیا حجاب اختصاصی به دین اسلام دارد یا در ملل و اقوام گذشته هم وجود داشته است؟

قرآن در سوره اعراف، آیه ۲۰ راجع به آدم و حوا می فرماید: وقتی شیطان آن دو را فریفت و آن دو از درخت ممنوعه خوردند و عورت های آن ها آشکار شد، آن ها با برگ های درختان عورت های خود را پوشانیدند. پس مسئله پوشش از اول آفرینش مطرح بوده؛ زیرا کتیبه ها، سکه ها، تندیس ها، نقاشی ها، فرش ها، ظروف نقره ای و نقش های برجسته تاریخی حاکی از آن هستند که انسان ها از روزی که پا بر این کره ی خاکی نهاده اند، پوشش را مراعات می کرده اند. از کتاب مقدس برمی آید که در عهد حضرت سلیمان علیه السلام زنان علاوه بر پوشش بدن، روبند بر صورت می انداختند. (۳) و باز از قرآن استفاده می شود که در عهد حضرت سلیمان علیه السلام حتی ملکه سبا، که خورشیدپرست بود، پوشش کامل داشت؛ زیرا از آیات مربوط به داستان ملکه سبا چنین به دست می آید که وقتی او وارد قصر حضرت سلیمان علیه السلام شد و خواست به نزدیک تخت او برود، چون حضرت سلیمان علیه السلام دستور داده بود کاخ را از سنگی آبگینه فرش نمایند، بلقیس دامنش را بالا کشید تا هنگام رد شدن خیس نشود. در زمان حضرت ابراهیم علیه السلام نیز حجاب رایج بود؛ نامزد اسحاق وقتی او را دید، برقع بر صورت انداخت. (۴) زنان ایرانی در دوره های گوناگون، از مادها، هخامنشیان، اشکانیان و ساسانیان دارای پوشش بودند.

طبق قراین و شواهد موجود در ایران باستان و در میان یهود و احتمالاً در هند، حجاب وجود داشته و از آنچه در قانون اسلام آمده، به مراتب سخت تر بوده است.

ویل دورانت درباره قوم یهود می نویسد: «اگر زنی به نقض قانون یهود می پرداخت؛ چنانکه - مثلاً - بی آنکه چیزی بر سر داشت به میان مردم می رفت و یا در شارع عام نخ می رشت یا میان مردم می رفت و با هر سخنی از مردم درد دل می کرد یا صدایش آن قدر بلند بود که چون در خانه اش تکلم می نمود همسایگانش می توانستند سخنان او را بشنوند، در آن صورت، مرد حق داشت بدون پرداخت مهریه او را طلاق دهد.» (۵)

در زمان زرتشت، زنان منزلتی عالی داشتند و با کمال آزادی و با روی گشاده در میان مردم و جامعه رفت و آمد می کردند. اما پس از داریوش، مقام زن، بخصوص در طبقه ثروتمند، تنزل پیدا کرد. زنان فقیر، چون برای کار کردن ناچار از آمد و شد در میان مردم بودند، آزادی خود را حفظ کردند، ولی در مورد زنان دیگر، گوشه نشینی زمان حیض، که برایشان واجب بود، به تدریج امتداد پیدا کرد و سراسر زندگی اجتماعی آن ها را فراگرفت. زنان طبقه بالای اجتماع جرأت آن را نداشتند که جز در تخت روان روپوشدار، از خانه بیرون بیایند و حق نداشتند حتی پدران و برادران خود را ببینند؛ زیرا پدران و برادران نسبت به زن شوهردار نامحرم شمرده می شدند. به همین دلیل، در نقش هایی که از ایران باستان بر جای مانده، هیچ صورت و شمایل زنی دیده نمی شود.

پی نوشت فصل:

۱. مرتضی مطهری، مسئله حجاب، چ ۴۳، صدر، ۱۳۷۵، ص ۲۸.

۲. مرتضی مطهری، پیشین، ص ۶۹ - ۷۰.

۳. کتاب مقدس (عهد عتیق و عهد جدید) و ترجمه فاضل خان همدانی، ولیام گلن و هنری، کتاب سرود سلیمان، تهران، اساطیر، ۱۳۸۰، فصل پنجم، سفر نشید الاناشید، ب ۵، ص ۱۰۰۳، آیه ۸.

۴. همان، سفر تکوین، باب ۲۴، آیه ۶۶.

۵. ویل دورانت، تاریخ تمدن، ترجمه ابوالقاسم ظاهری، انتشارات فرانکلین و اقبال، کتاب چهارم، «عصر ایمان»، بخش سوم، «عصر عظمت».

تهیه و تنظیم از: آرتار حیمی

پایان جلد اول

منتشر شده در

وبسایت فرهنگی مذهبی ارزشی

خیمه گاه

<http://moasese.blogfa.com>